|  |  |  |
| --- | --- | --- |
|  |  | A/HRC/56/25 |
|  | **نسخه ویرایش شده** | **انتشار:** عمومی**تاریخ:** 13 می 2024**نسخه اصلی:** به زبان انگلیسی |

**شورای حقوق بشر**

**اجلاس پنجاه و ششم**

از تاریخ 18 جون الی 12 جولای 2024

مورد دوم شامل در اجندا

**گزارش سالانه کمیشنر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد**

**و گزارشات دفتر کمیشنر عالی و دفتر سرمنشی سازمان ملل متحد**

**پدیده نظام نهادینه شده تبعیض، جداسازی، بی حرمتی به کرامت انسانی و حذف زنان و دختران**

**گزارش گزارشگر ویژه در مورد وضعیت حقوق بشر در افغانستان\***

|  |
| --- |
| ***فشرده گزارش*** |
|  *گزارشگر ویژه در مورد وضعیت حقوق بشر در افغانستان، در گزارش هذا پیرامون شکل‌گیری و تطبیق یک نظام نهادینه شده تبعیض، جداسازی، بی حرمتی به کرامت انسانی و حذف زنان و دختران، یک تحلیل همه جانبه ارائه می نماید.* |
|  |

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

\*با در نظر داشت شرایط خارج از کنترول که شخص ارائه کننده با آن روبرو بوده، توافق به عمل آمده است که سند هذا پس از تاریخ معین انتشار، به نشر سپرده شود.

1. مقدمه:
2. شورای حقوق بشر در قطعنامۀ شماره 54/1 خود از گزارشگر ویژه در مورد وضعیت حقوق بشر در افغانستان تقاضا به عمل آورده است تا با حمایت سایر حاملین مربوطۀ دستور طرزالعمل های ویژه و نهاد های معاهده، در مورد پدیده یک نظام نهادینه شده تبعیض، جداسازی، بی حرمتی به کرامت انسانی و حذف زنان و دختران، یک گزارش همه جانبه تهیه و ارائه نماید.
3. طوری که مطالبه شده، گزارش هذا بر مبنای گزارش مشترکی استوار می باشد که توسط گزارشگر ویژه و گروه کاری رسیدگی به تبعیض علیه زنان و دختران، در پنجاه و سومین اجلاس شورای حقوق بشر به شورای مذکور ارائه شد[[1]](#footnote-2). بر مبنای گزارش یاد شده، طالبان شدیدترین اشکال تبعیض مبتنی بر جنسیت را مرتکب شدند، و زنان افغان پامال شدن حقوق شان را به ‌عنوان "دیوار ها [موانع]" یاد نمودند، و آنان "ناامید" شدند. گزارشگر ویژه و گروه کاری رسیدگی به تبعیض علیه زنان و دختران دریافتند که موارد نقض سیستماتیک گسترده حقوق اساسی زنان و دختران در افغانستان، عمدتاً ناشی از پالیسی های تبعیض‌آمیز و زن‌ستیزانه طالبان و روش های خشونت‌آمیز تطبیق آن، تعذیب جنسیتی سازمان یافته و یک چهارچوب نهادینه شده اپارتاید جنسیتی می باشد، و بر مبنای آن توصیه های مفصل را به مقامات بالفعل، دولت ها و سازمان ملل متحد ارائه نمودند.
4. گزارشاتی که بعداً در مورد حقوق بشر توسط گزارشگر ویژه به هفتاد و هشتمین اجلاس مجمع عمومی و پنجاه و پنجمین اجلاس شورای حقوق بشر ارائه شده اند، حاوی معلومات تازه پیرامون وخامت وضعیت زنان و دختران می باشد[[2]](#footnote-3).
5. اهداف
6. گزارشگر ویژه، در گزارش هذا در مورد اپارتاید جنسیتی نهادینه شده زنان و دختران افغان، که در نظام تبعیض، جداسازی، بی حرمتی به کرامت انسانی و جدا سازی مبتنی بر جنسیت، طالبان شگل گرفته است، یک تحلیل همه جانبه ارائه می نماید. قسمی که قبلاً توضیح داده شد[[3]](#footnote-4)، پیامد های ناگوار آن از بین رفتن سریع استقلالیت و نمایندگی زنان، و حذف زنان و دختران از زندگی عامه، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افغانستان بوده است.
7. نظام تبعیض نهادینه شده طالبان عمدتاً از طریق صدور و تطبیق احکام، فرامین، اعلامیه ها و دستورات پیهم که به نوبه خود باعث محرومیت شدید از حقوق بشر و نقض قوانین بین‌المللی می شود، بیشتر متبارز شده است. گزارشگر ویژه، در گزارش هذا این نکته را به بررسی گرفته است که همچو دستورات چگونه دست به دست هم داده و یک نظام استبدادی را به سطح کشور به ارمغان آورده است که تمام جوامع افغانستان، علی‌الخصوص زنان و دختران حس می کنند در دام آن گیر مانده اند.
8. گزارش هذا که بر مبنای یک رویکرد همه جانبه مبتنی بر جنسیت استوار می باشد، بالای آسیب های آشکار و پنهان و پیامد های چند‌نسلی آن بالای جوامع مختلف در افغانستان و جا های دیگر روشنی می اندازد. گزارشگر ویژه، ماهیت پیوسته به هم طبقه بندی اجتماعی مانند جنسیت، مذهب و قومیت و سایر هویت ها را درک نموده و روی‌دست گرفتن یک رویکرد همه جانبه را ضروری می پندارد، تا برای هویت های ناشناخته یا کمتر شناخته شده، یک چهارچوب فراگیر‌تر ایجاد شود.
9. بناءً، هدف گزارش هذا اینست که طراحی، اجرا و پیامد های موجی از آسیب های که توسط نظام استبدادی نهادینه شده مبتنی بر جنسیت طالبان شکل گرفته است، به صورت واضح و همه جانبه درک شود. در حالیکه تمرکز گزارش ارائه شده بالای زنان و دختران افغان می باشد، اما تاکید می ورزد که شکل گیری و گسترش همچو نظام بالای تمام جنسیت ها آسیب های تکان دهنده و دراز‌مدت بر جا خواهد گذاشت و پیامدهای آن فراتر از مرزهای افغانستان گسترش می‌یابد که احتمالاً ناشی از تعامل نامشروط با طالبان است.
10. این تحلیل، با دیدگاه های دوقطبی و حذف کننده که عمدتاً زنان و دختران را به عنوان قربانیان و مردان و پسران را به عنوان مجرمین می پندارند، موافق نیست. زنان و دختران افغان در واقع سزاور این هستند که نمایندگی، مقاومت شجاعانه و نقش چشمگیر آنان به عنوان مشعل راهی که به پیشرفت و تامین عدالت در افغانستان می انجامد، پنداشته شود.
11. میتودولوژی و چالش ها
12. گزارشگر ویژه، حین تهیه گزارش هذا با زنان و مردان افغان، فعالان حقوق بشر، حقوقدانان، خبرنگاران، مراجع اکادمیک، کارکنان صحی، متشبثین، کارشناسان حقوقی بین‌المللی، حاملین دستور طرزالعمل های ویژه و نهاد های معاهده مشوره های لازم انجام داده است.
13. جلسات مشورتی متعدد به گونه حضوری و مجازی همراه با کارشناسان تدویر گردیده اند. در این مشوره ها نزدیک به 128 تن (95 تن افغان ها و 33 تن کارشناسان بین‌المللی) اشتراک ورزیده اند، که در ترکیب آن 107 تن زنان، 20 مردان و 1 تن از جنسیت متغییر حضور داشته اند. اشتراک کنندگان از پیشینه های مختلف برخوردار بوده و اعضای اقلیت های قومی و مذهبی و اشخاص دارای معلولیت را دربر داشته اند.
14. مشوره های مذکور بر مبنای تعامل قبلی گزارشگر ویژه با دست اندرکاران استوار بوده و هدف آن را دستیابی به روایت های شخصی و تجارب ناشی از مواجه شدن با تبعیض تشکیل می داد. تلاش های پیهم صورت گرفت تا آسیب های وارده به گروه های که اکثراً به طور کامل در پروسه های مستندسازی به چشم نمی خورند، به شمول اطفال، سالمندان و افرادی که خشونت خانوادگی را تجربه نموده اند، مورد بررسی قرار گیرند. همچنان، در جریان مشوره های یاد شده از زنان داخل افغانستان و دیاسپورا اولویت ها، ستراتیژی ها و توصیه های لازم مطالبه گردید. شایان تذکر است که میز گرد کارشناسان از طریق در میان گذاشتن اندوخته های مفصل حقوقی، حقوق بشری و سیاسی، باعث غنامندی بیشتر گزارش هذا شده است.
15. افزون بر آن، جهت ارسال معلومات مورد نیاز، فراخوان عامه صورت گرفت. حدود 18 مورد به دست رسید.
16. مدنظر گرفتن یک رویکرد قربانی محور، که بر مبنای اصل "ضرر نرسانید" استوار بوده، باعث تقویت مشوره ها شده است. در بسا موارد، کاهش بخشیدن نگرانی های محافظتی به اندازه کافی امکان پذیر نبوده، تا بتواند زمینه را برای تعامل با گروه های مشخص در داخل افغانستان فراهم سازد، که به نوبه خود کیفیت دیدگاه های ارائه شده را متاثر ساخته است.
17. **شکل گیری و تطبیق یک نظام استبدادی نهادینه شده مبتنی بر جنسیت**
18. نظام نهادینه شده تبعیض، جداسازی، بی حرمتی به کرامت انسانی و حذف زنان و دختران توسط طالبان، عمدتاً در انگیزه و نفی عمیق انسانیت کامل زنان و دختران ریشه دارد. نظام مذکور گسترده و میتودیک بوده و عموماً از طریق احکام و پالیسی های توجیه کنندۀ محرومیت شدید از حقوق اساسی، نهادینه شده و بالنوبه تقویت می‌ یابد. طوری که در گزارش هذا خاطر نشان گردیده است، اینگونه محرومیت ها به هیچ عنوان از همدیگر مجزا نیستند. بالعکس، هر محرومیت یک نقش سیستماتیک داشته و به نحوی با سایر محرومیت ها پیوند دارد و بدین ترتیب روند مهندسی ظلم و ستم را تقویت می بخشد.
19. از زمان تهیه گزارش مشترک بدینسو، تقریباً 52 فرمان که حقوق زنان و دختران را در سرتاسر کشور محدود می سازند، در مقطع زمانی بین ماه جون 2023 و ماه مارچ 2024 صادر گردیده اند. فرامین مذکور و تاریخ توشیح آن قرار ذیل می باشند:
20. در ماه جون 2023:
21. مؤسسات غیردولتی خارجی از ارائه برنامه های آموزشی، به شمول آموزش مبتنی بر جامعه منع شدند.
22. زنان از حضور در برنامه های رادیویی و تلویزیونی با مجریان ذکور منع شدند.
23. در ماه جولای 2023، آرایشگاه های زنان به صورت اجباری مسدود شدند.
24. در ماه اگست 2023، ورود زنان به پارک ملی بند امیر منع شد.
25. در ماه اکتوبر 2023، زنان از تکیه زدن بر پست های ریاست در مؤسسات غیردولتی منع شدند.
26. در ماه فبروری 2024، از زنان خواسته شد تا حین حضور در برنامه های تلویزیونی حجاب سیاه‌رنگ را رعایت نمایند، طوری که باید صورت شان پوشیده و صرف چشمان شان قابل دید باشد.
27. با گذشت هر روز، نقش زنان و فشرده‌تر و محدودتر می ‌شود، که ریشه آن از مردسالاری آب می خورد و توسط این ایدیولوژی طالبان که آنها را به عنوان متعلقین می پندارد، تقویت و مشروعیت می یابد: به‌ زنان به عنوان افرادی دیده می شود که وظیفه تولد و پرورش اطفال را بر عهده دارد و یا اینکه به آنها به ‌عنوان اشیای بهره برداری نگریسته می شود، به شمول بردگی در ازای بدهی، قید کردن در خانه، بهره برداری جنسی و سایر انواع نیروی کار بدون دستمزد یا دارای دستمزد ناچیز.
28. پیشینه چشم پوشی از حقوق برابر زنان و دختران افغان بر می گردد به دو دوره قبلی حکومت طالبان، و یکی از جنبه های دو دهه حکومت جمهوری اسلامی به شمار می رود، که در آن زمان نگرانی های جدی در این زمینه در گزارشات حقوق بشر بازتاب یافته اند. بناءً، نسبت دادن آن تنها به طالبان کار عاقلانه نخواهد بود. ریشه این چشم پوشی عمدتاً در زن ستیزی نهفته است و شکل یک جریان پنهان را در تمام جوامع نه، بلکه در اکثریت جوامع به خود گرفته است، اما در یک پروژه حکومتداری رادیکالیزه و نهادینه شده است، که طالبان آن را یک امر شرعی می دانند، حالانکه نظیر آن در سایر کشور های که اکثریت جمعیت آن ها را مسلمانان تشکیل می دهند، دیده نشده است.
29. در ماه جنوری 2023، طالبان در پاسخ به درخواست ارائه شده از جانب کمیته منع تبعیض علیه زنان در پیوند با ارائه معلومات در مورد وضعیت زنان و دختران در افغانستان، از 15 اگست 2021 به بعد، اظهار داشته اند که آنها در چوکات شریعت و رسوم جامعه افغانی، از حقوق زنان و دختران حمایت می نماید اما، اتکا به رسوم و سنت های فرهنگی یا مذهبی نمی تواند توجیه کننده نقض حقوق بشر باشد. همچنان به هیچ عنوان نمی تواند تبعیض یا خشونت را توجیه نماید و هیچگاه نمی توان بر خلاف قوانین بین‌المللی از آن جهت مشروعیت بخشیدن به محرومیت استفاده نمود. گزارشگر ویژه تاکید می ورزد که هیچگاه نباید از نگرش های سنتی، تاریخی، مذهبی یا فرهنگی برای توجیه نمودن نقض حق برابری در برابر قانون و برخورداری یکسان از تمام حقوق بشر استفاده به عمل آورد. او به ماده 4 اعلامیه منع خشونت علیه زنان اشاره می نماید، که بر مبنای آن کشور ها نباید به بهانه هرگونه رسوم، سنت ها یا ملاحظات مذهبی از مکلفیت های شان در قبال منع خشونت علیه زنان شانه خالی کنند.[[4]](#footnote-5)
30. در صورتی که جلو نظام استبدادی نهادینه شده جنسیتی توسط طالبان، گرفته نشود، شدیدتر خواهد شد، طوری که با گذشت هر روز افرادی که در برابر آنها مقاومت می نمایند با خشونت روبرو می شوند، تلاش های زنان الگو و مفکوره های استقلالیت زنان رنگ می بازند و نسل های جدید در درون یک جامعۀ پرورش می یابند و به رادیکالیزم رو می آورند، که بدون چون و چرا به کرامت انسانی زنان بر حرمتی می کنند و از آنها بهره برداری می نمایند. وضعیت زنان و دختران افغان شدیداً هشدار دهنده بوده و فرهنگ معافیت از مجازات خطراتی را به دنبال دارد که تا کنون جامعه جهانی موفق نشده است به درستی به آن پی ببرد. یک تن از زنان در جریان مشوره ها چنین اظهار داشته است: "امیدوار هستیم که جامعه بین‌المللی به عوض حرف زدن، عمل نماید."
31. شکل گیری
32. گزارشگر ویژه، در گزارش هذا روشی را به بررسی گرفته است که در آن سیستم نهادینه شدۀ سرکوب زنان و دختران افغان توسط طالبان، از طریق محرومیت های مهندسی شده از حقوق بشر، پشتیبانی شده است و ادامه یافته است. جهت اینکه یک تحلیل مفصلتر ارائه شده باشد، گزارشگر ویژه بالای روشی تمرکز نموده است که در آن محرومیت از پنج حقوق اساسی (حقوق آموزش، کار، آزادی گشت و گذار، صحت و دسترسی به عدالت) دست به دست هم داده و زمینه را برای ایجاد و تطبیق یک ساختار ظالمانه فراهم نموده است، که اجتناب یا غلبه تمام جنسیت های افغان، علی‌الخصوص زنان و دختران بر آن اگر ناممکن نباشد، خیلی دشوار است.
33. همانگونه که در گزارشات به تفصیل به آن اشاره شده است، حذف زنان از زندگی عامه توسط طالبان، نقض کنندۀ شماری زیادی از حقوق بشر که از این تحلیل پا فراتر می گذارد، می باشد. تمام این حقوق به عین اندازه مهم بوده و در چهارچوب حقوق بشر برای آن هیچ سلسله مراتب وجود ندارد و تمام آنها از همدیگر جدایی ناپذیر بود و کاملاً مرعی‌الاجرا پنداشته می شوند. گزارشگر ویژه، یافته های تازه اش را در مورد وضعیت عمومی حقوق بشر در افغانستان، طی یک گزارش جداگانه به هفتاد و نهمین اجلاس مجمع عمومی که در ماه اکتوبر 2024 برگزار می شود، ارائه خواهد نمود.
34. حق آموزش
35. تبعیض نهادینه شده علیه زنان و دختران، به پالیسی های سختگیرانه طالبان، به شمول دسترسی به آموزش راه یافته است. طالبان، پس از به قدرت رسیدن در سال 2021، بلافاصله ممنوعیت تعلیمات متوسطه دختران را اعلام نمود، متعاقب آن دامنۀ این محدودیت به پوهنتون ها و در این اواخر به مراکز آموزشی خصوصی کشانیده شده است. همچنان، زنان جوان از ادامه تحصیلات عالی در خارج افغانستان منع شده اند. مدارس دینی که همیشه یکی از بخش های عمده تعلیم و تربیه در افغانستان بوده است و عمدتاً آموزش های دینی مورد تایید طالبان را ارائه می نمایند، به نحوی به عنوان بدیل های بی رویه و نابرابر مبدل شده اند. علمای جید مذهبی افغانستان و شماری از اعضای رهبری طالبان از حق آموزش دختران حمایت نموده و تاکید ورزیده اند که ممنوعیت مذکور فاقد هرگونه توجیه مذهبی یا فرهنگی می باشد.
36. در ماه سپتامبر 2022، طی یک حمله بالای یکی از مکاتب، کم از کم 54 تن کشته و 100 تن دیگر مجروح شدند، که اکثریت آنها را زنان و دختران هزاره تشکیل می داد. این یکی از نمونه های حملات گسترده بر مکاتب، مساجد و محلات کار هزاره ها بوده است و مسئولیت شماری زیادی از این حملات را شاخه خراسان داعش بر عهده گرفته است. طراحی و انجام حملات بر مبنای جنسیت، قومیت و مذهب که با همدیگر پیوند ناگسستنی دارند، هدف قرار دادن تسهیلات آموزشی و عدم توانایی طالبان در جلوگیری از آن و ارائه نمودن کمک های موثر به قربانیان، میزان خطرات مرتبط به ادامه آموزش را افزایش می بخشد.
37. محرومیت از آموزش بالای زنان و دختران بالاتر از صنف ششم پیامد های ناگوار داشته اند و روند دستیابی به عواید و قدرت را که کلید توانمندسازی شخصی، استقلالیت خانوادگی و بقای زنان پنداشته می شود، با محدودیت روبرو می سازد. شماری زیادی از آنها به تشوشات روانی، منجمله افکار خودکشی و قصد خودکشی دچار می شوند. یک تن از دختران چنین اظهار نموده است: "وقتی در خانه هستم، فکر می کنم در زندان هستم ... زمانی که به مکتب می رفتم، احساس آزادی می کردم". محرومیت از دسترسی به آموزش برابر باعث ناتوانی چند‌نسلی می شود، که با گذشت هر روز وضعیت اجتماعی - اقتصادی تضعیف شدۀ زنان و دختران افغان و وابستگی آنان به مردان که عمدتاً توسط دولت تحمیل شده است، وخامت بیشتر کسب می نماید.
38. زنان و دخترانی که در افغانستان از نظام معارف محروم شده ‌اند، عمدتاً با خطر ازدواج اجباری روبرو اند، خاصتاً در شرایطی خانواده های شان از لحاظ اقتصادی تحت فشار قرار دارند. یک تن از زنانی که در حال حاضر در داخل افغانستان به سر می برد و به گفته خودش مجبور است ازدواج نماید، چنین اظهار داشته است: "تمام رویا هایم نقش بر آب شده است". هرچند، طالبان حکم منع ازدواج اجباری را صادر نموده است، اما ادعا ها در مورد اینکه اعضای گروه طالبان خود بدون آنکه به پیامد های قانونی آن توجه داشته باشند، در ازدواج های اجباری و اطفال، به خصوص در مناطق روستایی و دورافتاده دست داشته اند، نگرانی گزارشگر ویژه را برانگیخته است. اینگونه ازدواج های اجباری، به عنوان یک پدیدۀ که قبل از حکومت طالبان نیز وجود داشته است، می تواند توام با تخلفات دیگر مانند تجاوز جنسی، شکنجه، باردار سازی اجباری و کار اجباری باشد. گزارش ها حاکی اند که طالبان در برابر ازدواج های اجباری و در برابر خشونت خانوادگی هیچگونه خدمات محافظتی دولتی موثر ارائه نمی کنند.
39. پیامد های چندنسلی محرومیت سیستماتیک زنان و دختران از آموزش، گسترده و پایدار خواهند بود. در میان هر نسل تعداد زنان دارای پیشینه آموزشی، که در واقع به آنها توانمندی می بخشد تا در خارج از منزل کار نمایند، خیلی ناچیز خواهد بود. آنچه بیشتر نگران کننده است، فقدان دوکتوران و کارکنان اناث مراقبت های صحی می باشد. این در حالی است که افغانستان در شرایطی قرار دارد که با گذشت هر روز تعداد بیشتر کارکنان مراقبت های صحی امید شان را به آینده از دست می دهد، که خطرات آن دامنگیر زنان و دختران خواهد بود. اپارتاید جنسیتی نهادینه شده توسط طالبان، افغانستان را در آینده از انجنیران، خبرنگاران، حقوقدانان، بیولوژیستان، سیاستمداران و شاعران اناث محروم خواهد ساخت. این به نوبه خود یک ضایعه عمیق و جبران ناشدنی برای ملت افغانستان پنداشته می شود.

**2. حق کار**

27. طالبان از طریق وضع نمودن ممنوعیت شمولیت زنان در نهاد ها و کار در مؤسسات غیردولتی یا مؤسسات خارجی (به استثنای موارد ناچیزی که در عرصه های صحی و آموزشی به چشم می خورند)، دستور عدم رفتن کارمندان دولتی اناث به وظیفه، و محدود ساختن دسترسی فزیکی به محلات کار به نسبت الزامی بودن محرم، حق کار کردن زنان را از محدود ساخته اند.

28. شرایط/معیاراتی که بالای اشتغال زنان اعمال می شوند، عمدتاً به منظور برهم زدن استقلالیت مالی و خودمختاری زنان طراحی گردیده اند. تعداد زنان شاغل به گونه قابل ملاحظه کاهش یافته است و عمدتاً در میان کارمندان دولتی اناث، قضات، څارنوالان و خبرنگاران محسوس می باشد. یک تن از زنان مدافع حقوق بشر چنین اظهار داشته است: "من مدت 20 سال قبل نهاد خود را ایجاد نمودم و اکنون به نسبت اینکه یک زن هستم، حتی اجازه داخل شدن به ساختمان آن را ندارم".

29. در سال 2023، طالبان کار کردن زنان را در سکتور خصوصی ممنوع قرار دادند، منجمله از طریق دستور مسدود ساختن آرایشگاه های زنان، به عنوان یک منبع اشتغال و حمایت اجتماعی آنان. در میان اقشاری که از این ناحیه متضرر شده اند، زنان متشبث افغان، به شمول افرادی که مشغول تشبثات خانگی اند و باید حین سفر به بازار های محلی با خود محرم داشته باشند، نیز قرار دارند. اشتغال زنان و دختران در آینده، به نسبت محرومیت آنها از حق آموزش آنها بیشتر تضعیف خواهد شد. گزارشگر ویژه، اراده و تلاش دوامدار زنان افغان را در راستای شناسایی روش های بقای خود و خانواده های شان، تمجید می نماید.

30. ممنوعیت کار کردن زنان در بخش های مختلف نهاد های امداد‌رسانی، توسط طالبان، از طریق پیچیدگی در روند ارائه کمک های بشردوستانه به زنان و دختران، آسیب های گسترده جنسیتی را به همراه داشته است، که به نوبه خود باعث نقض سایر حقوق، منجمله حقوق دسترسی به غذای کافی و خدمات معیاری صحی می ‌شود.

31. خانواده ها بدون آنکه از درآمد زنان سود ببرند، در فقر عمیق فرو رفته اند. نگرانی های مالی ناشی از آن که تمام اعضای خانواده را متاثر می سازند، اطفال را با خطرات ویژه مواجه می نمایند، به شمول کار اطفال و ازدواج های اجباری دختران و زنان.

32. اتکا و وابستگی به اقارب ذکور که عمدتاً ناشی از محرومیت زنان از حق کار کردن توسط طالبان می باشد، از پیامد های ناگوره ویژه بالای زنان و دختران مجرد و جدا شده، زنان بیوه و زنانیکه سرپرستی خانواده های خود را بر عهده دارند، برخوردار می باشد. وابستگی بیش از حد و مدیون بودن از اقارب ذکور، آنها را با بدرفتاری، بهره برداری و نادیده گرفتن معروض می سازد. زنان فاقد حمایت، به فقر شدید روبرو می شوند، که می تواند شامل عدم مصونیت غذایی حاد، نقض حقوق دسترسی به غذا و خدمات صحی باشد. زنان و دخترانی که برای بقای حیات شان دست به گدایی می زنند، عمدتاً به نسبت نداشتن محرم در اماکن عامه با خطر دستگیری مواجه اند.

33. محدودیت اشتغال، آزادی گشت و گذار، آموزش و دسترسی به عدالت و مسدود شدن خانه های امن زنان، زمینه را برای گیر ماندن زنان، دختران و پسران در خانواده های خشونت‌آمیز و اذیت کننده فراهم ساخته است و در عین زمان راه های رسیدگی و فرار را مسدود نموده است.

**3. حق آزادی گشت و گذار**

34. طالبان آزادی گشت و گذار زنان و دختران را شدیداً محدود ساخته است. وضع ممنوعیت دسترسی به حمام های عمومی، پارک ها و ورزشگاه ها، حقوق صحی و حقوق تفریح ​​و لذت بردن را متاثر می سازد. هرچند، زنان و دختران اجازه ندارند که بدون داشتن محرم به فواصل بیشتر از 72 کیلومتر از خانه خود مسافرت نمایند، اما در تطبیق این مقررات اکثراً افراط صورت گرفته و حتی در فواصل کوتاه‌تر نیز زنان و دختران از سفر تنهایی منع می شوند.

35. یکعده زنان افغان به گزارشگر ویژه گفته اند که وابستگی اجباری به یکی از اقارب ذکور جهت همراهی آنها به عنوان محرم، برای آنان تحقیرآمیز بوده و فرصت های لذت بردن از اوقات تفریح در بیرون از منزل را کاهش می بخشد. به ویژه، این وضعیت در میان زنانی که فاقد اقارب نزدیک ذکور اند، بیشتر وخیم است، زیرا آنها محرم ندارند، که این امر به نوبه خود مانع دسترسی آنان به خدمات اساسی می شود.

36. تطبیق افراطی محدودیت های داشتن محرم و محدودیت های رعایت حجاب، زمینه را برای گرفتاری و بازداشت زنان و دختران فراهم ساخته است. یکی از پیامد های آن اینست که شماری زیادی از زنان و دختران توقیف شده اند، طوری که برخی از خانواده ها گشت و گذار دختران را محدود ساخته اند و یا هم اینکه زنان و دختران به خاطریکه از خطر مواجه شدن با طالبان و حامیان آن در امان باشند، از خانه بیرون نمی شوند.

**4. حق صحت**

37. زندگی کردن در سایه یک نظام استبدادی نهادینه شده مبتنی بر جنسیت، فطرتاً غیرانسانی بوده و آسیب های جسمی و روانی را به دنبال دارد. این آسیب ها شامل کشتار ها، خشونت جسمی، جنسی و باروری که به مرگ می انجامد، جروحات، امراض مزمن، افسردگی و خودکشی می باشد. آسیب های مذکور زمانی شدیدتر می شوند که سیستم های عدلی و قضایی به گونۀ طراحی شده‌ باشند که به عوض قربانیان از عاملان آن محافظت نمایند.

38. در مشوره های که جهت تهیه گزارش هذا انجام یافته اند، و طوری که در گزارشات قبلی به آن پرداخته شده است، بازیگران متعدد، به شمول زنان داخل افغانستان و دیاسپورا، به افزایش میزان افسردگی و خودکشی در میان زنان و دختران اشاره نموده اند. یک تن از زنان چنین اظهار نموده است: "من نان آور خانه خود بودم. اکنون نه کار دارم و نه درآمد. فرزندانم غذا می خواهند و گزینۀ دیگری جز فکر کردن به خودکشی برایم نمانده است"[[5]](#footnote-6).

39. ازدواج اجباری، در واقع حمله بر صحت قربانیان پنداشته شده و به منزله محرومیت از استقلالیت روابط جنسی و بدنی می باشد. خاصتاً ازدواج اجباری در میان دختران از پیامد های ناگوار جسمی، روانی و اجتماعی برخوردار می باشد. ازدواج اجباری، به عنوان یک فضای آگنده از خشونت فزیکی و جنسی، دارای پیامد های ناگوار جسمی و روانی بوده و می تواند به تجاوز روتین (عادی) بیانجامد و میزان خطر مرگ (قتل) را در میان قربانیان افزایش بخشد. گزارشگر ویژه، با اشاره به فرمان رهبر هیبت الله آخندزاده در مورد ممنوعیت ازدواج اجباری خاطر نشان می سازد که به زنان نباید به عنوان "ملکیت" نگریسته شود و باید رضایت آنها در ازدواج شرط باشد. به نظر می رسد که فرمان متذکره توسط اعضای گروه طالبان به صورت کامل رعایت نشده است[[6]](#footnote-7).

40. محدودیت های وضع شده بالای ارائه کنندگان مراقبت های صحی به مریضان جنس مخالف، و کارکنان اناث سکتور صحی، دسترسی زنان و دختران را به تداوی طبی شدیداً محدود ساخته است. پیامد های آن در مناطق روستایی، که در آن تعداد اندکی کلینیک ها و کارکنان اناث مراقبت های صحی وجود دارند، وخیمتر است. شرط داشتن محرم، در قسمت تداوی طبی زنان و دختران، خاصتاً آنهایی که فاقد اقارب نزدیک ذکور اند، موانع قابل ملاحظه ایجاد می نماید. در یک‌عده مناطق، طالبان به صورت مشخص زنان اجازه نمی دهند که بدون محرم به مراقبت های صحی مراجعه نمایند، و این پالیسی به نوبه خود نقض کنندۀ حق محرمیت آنها نیز می‌ باشد. ممانعت مبتنی بر تبعیض در برابر دسترسی افراد یا گروه ها به تسهیلات و خدمات صحی، ناقض حق صحت آنها می باشد.

1. تطبیق
2. **حملات بالای مقاومت کنندگان**

41. اعمال اپارتاید جنسیتی نهادینه شده توسط طالبان، به حدی گسترده است و فضا های که زنان و دختران می توانند در آن آزادانه زندگی نمایند به حدی فشرده و محدود اند، که امروزه در افغانستان تقریباً هر عمل را می توان یک مقاومت توصیف نمود. قدم زدن در پارک، صرف غذا با یکی از دوستان در فضای باز و پوشیدن لباس درخشنده، تمام اینها می توانند به عنوان چالش ها برای رژیم خفه کننده طالبان پنداشته شوند.

42. در جریان حملات بالای زنان معترض، اعمال اپارتاید جنسیتی نهادینه شده توسط طالبان، به وضاحت به چشم می خورد. از ماه اگست 2021 بدینسو، زنان با لت و کوب، دستگیری، محرومیت خودسرانه از آزادی و ناپدید شدن اجباری مواجه اند. گزارشگر ویژه، به اطلاعاتی دست یافته است که حاکی از شکنجه و اعمال خشونت جنسی علیه زنان بازداشت شده، منجمله افرادی که در جریان تظاهرات دستگیر شده اند، می باشد.

43. نقطه عطف در اپارتاید جنسیتی نهادینه شده زنان و دختران توسط طالبان اینست که هر کسیکه خواهان به چالش کشیدن نظام باشد، بدون در نظر داشت جنسیت شان، با خطر هرگونه اعمال غیرانسانی روبرو خواهند شد. هرچند، زنان در صف مقدم مقاومت قرار دارند، اما طالبان مردان و پسرانی را که از سیستم حکومتداری آنها سرپیچی نموده اند و یا آن را زیر سوال برده اند، نیز دستگیر و بازداشت نموده اند و آنان را مورد خشونت فزیکی قراد داده اند. حملات طالبان علیه تمام افغان ها نشان دهندۀ اینست که هدف اصلی سرکوب مقاومت، همانا حفاظت از نظام نهادینه شدۀ سرکوب و تداوم آن است.

44. طالبان، روند تطبیق آن را به ساختار های قدرت مردسالارانه، منجمله خانواده ها واگذار نموده است، آنان مردان را در تطبیق یک سیستم تسلط مبتنی بر جنسیت که توسط دولت اعمال شده است، دخیل ساخته اند و از آنان استفاده ابزاری می نمایند. طوری که یک تن از زنان اظهار داشته است: "مرا پسرانم تحت نظر دارند". در صورتیکه مردان در تطبیق احکام طالبان در پیوند با اقارب اناث شان کوتاهی نمایند، با لت و کوب، زندان و مصادره اموال روبرو خواهند شد. یک ستراتیژی همدستی اجباری، ساختار گستردۀ سرکوب را تقویت می بخشد و در عین زمان زمینه را برای کنترول و نظارت دوامدار بر رفتار و انتخاب هر زن و دختر در افغانستان فراهم می سازد.

2. **محرومیت از دسترسی به عدالت**

45. نظام های تبعیض آمیز و حذف نهادینه شده، عمدتاً بنابر وصف حمایت مشهود شان و تحمل خشونت عامه و خصوصی که علیه افراد به حاشیه رانده شده اعمال می شود، شناسایی می‌ شوند. و اکثراً توسط قوانینی که زمینه را برای همچو خشونت ها فراهم می سازند و یا استفاده ابزاری از پروسه های عدلی و قضایی که قربانیان را از عدالت محروم می سازند، تقویت می یابند.

46. زنان و دختران طی سال های متمادی از دسترسی پُررنگ/معنی‌دار به کانال های رسیدگی موجود در سیستم عدلی و قضایی رسمی افغانستان محروم بوده‌ اند، که این وضعیت در زمان حاکمیت طالبان شدیداً وخامت کسب نموده است. طالبان تمام قضات و څارنوالان را از وظیفه برطرف نموده و به عوض آنها ملا های را که از لحاظ قانونی از شایستگی لازم برخوردار نیستند، از شریعت درک کافی ندارند، و از مفتیان مشوره دریافت می کنند[[7]](#footnote-8) ، مقرر نموده اند و جواز های قانونی وکلای اناث را عملاً به حالت تعلیق درآورده اند. قانون منع خشونت علیه زنان ملغا شده است و محاکم اختصاصی، دفاتر څارنوالی و واحد های رسیدگی به قضایای خانوادگی از میان برداشته شده اند. بدین ترتیب، طالبان توانایی زنان را از لحاظ عدالت خواهی، رهایی از بدرفتاری و پیگرد عدلی و قضایی عاملان خشونت، شدیداً محدود ساخته است.

47. از لحاظ تاریخی، سیستم های عدلی و قضایی غیررسمی، مانند جرگه ها و شورا ها، صدای زنان را به حاشیه رانده و اکثراً پروسه ها و نتایج آسیب‌زا و قربانی شدن مجدد را به دنبال داشته اند. خصوصاً عدۀ کثیر قربانیان آن را زنان و دختران روستایی تشکیل می دهند. اپارتاید جنسیتی نهادینه شده توسط طالبان، باعث مشروعیت بیشتر نگرش های زن‌ستیزانه شده است، منجمله در ساختار های قدرت کاملاً مردانه شکل دهندۀ سیستم عدلی و قضایی غیررسمی.

48. افغان ها به گزارشگر ویژه، در مورد وضعیت ناگوار زنان و دخترانی که از خشونت خانوادگی رنج می‌برند و قربانیان آن به صورت روتین (عادی) به خانواده های دارای رؤسای اذیت کننده باز می گردند، به گزارشگر ویژه یاد آوری نموده اند. وضعیت مذکور با الغای زیربنا های حمایت از قربانیان، منجمله مراکز حفاظت از زنان، مساعدت های حقوقی، وزارت امور زنان و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان توسط طالبان وخامت بیشتر کسب نموده است.

1. پیامد ها بالای اطفال

49. دختران افغان از آسیب های مبتنی بر سن و جنسیت رنج می ‌برند، منجمله دسترسی نابرابر به آموزش و مراقبت های صحی، خطر بی‌نهایت بلند بهره برداری (به شمول ازدواج اجباری، بردگی در ازای بدهی و قاچاق) و عدم محافظت در برابر خشونت، که یا توسط اعضای خانواده آنان و یا توسط مقامات بالفعل اعمال می شود. دختران با هویت های چندگانه به حاشیه رانده شده، منجمله آنانی که به اقلیت های مذهبی و قومی منسوب هستند، آسیب های مشخصی را متحمل می ‌شوند، که از طریق نگرش های تبعیض‌آمیزی که از قبل وجود دارند و تحمل خشونت علیه آنها، تشدید میشود

50. عمیق ترین آسیب ها می توانند چند‌نسلی باشد. به نظر می رسد که با گذشت زمان مقاومت فعال درون کشور در برابر اپارتاید جنسیتی نهادینه شدۀ زنان و دختران افغان توسط طالبان، از اثر حملات شدید و وحشیانه بالای افرادی که طالبان را به چالش می کشند و یا از اثر ناامیدی ناشی از این تصور که جهان مردم افغانستان را به فراموشی سپرده اند، فروکش نماید. نسل های جدیدی پرورش یافته در یک کشوری که سرکوب و تحقیر زنان و دختران را تحمیل می ‌نماید، شدیداً متاثر خواهند شد.

51. حذف زنان نیرومند که در خارج از منزل به عنوان الگو ها تبارز نموده اند، بالای تمام افغان ها، به ویژه بالای دختران و پسران، چه نوع تاثیر خواهد داشت؟ زمانی که دختران از شگوفایی زنان بدون اتکا به مردان هیچ خاطرۀ نداشته باشند، از جهان و خود چه نوع تصور می توانند داشته باشند؟ و پسران پرورش یافته در یک رژیم نهادینه شده که به صورت سیستماتیک زنان و دختران را تضعیف می نماید، در آینده به چه نوع مردانی مبدل خواهند شد؟

1. جوامع چندگانه به حاشیه رانده شده
2. **اشخاص دارای معلولیت**

52. زنان و دختران افغان دارای معلولیت نیز با انواع مختلف حذف سیستماتیک مبتنی بر جندر مواجه اند. زنان افغان در جریان مشوره ها تاکید ورزیده ‌اند که زنان و دختران دارای معلولیت برای ازدواج بیشتر نامساعد بوده و احتمال دارد توسط خانواده های داماد رد شوند.

53. هرچند، همچو تعصب قبل از طالبان نیز وجود داشته است، اما عمدتاً اهمیت آموزش را به عنوان مسیری برای دستیابی به استقلالیت و فرصت برای زنان و دختران دارای معلولیت، برجسته می سازد. در نتیجه، محرومیت از دسترسی برابر به آموزش و اشتغال که توسط دولت اعمال شده است، پیامد های مشخص و شدید به دنبال داشته است. شماری از زنان و دختران دارای معلولیت که از توانایی کار کردن برخوردار نیستند، به گدایی در جاده ها رو آورده اند، که امکان دارد به نسبت سرپیچی از مقررات داشتن محرم، با آزار و اذیت و/یا دستگیری روبرو شوند.

54. به زنان و دختران دارای معلولیت به عنوان بار دوش خانواده نگریسته می شود و معمولاً با خطر خشونت در داخل و خارج منزل روبرو هستند. آسیب پذیری آنها در برابر بدرفتاری و بهره برداری، عمدتاً از طریق محرومیت از دسترسی به عدالت که در نظام تبعیض مبتنی بر جنسیت طالبان ریشه دوانیده است، شدت کسب می نماید.

**2. جامعه دگرباش جنسی یا ( LGBTQIA+)**

55. گزارشگر ویژه، گزارشاتی را از قربانیان دریافت نموده است که حاکی از آن است که آنها توسط اعضای گروه طالبان به نسبت گرایش جنسی یا هویت جنسیتی شان مورد حمله قرار گرفته اند و یا تهدید شده اند. تقریباً تمام قضایای گزارش داده شده بدرفتاری، به شمول قصد کشتن، تجاوز جنسی و لت و کوب، از سوی اقاربی صورت گرفته اند که از تهدید طالبان به خشونت حمایت می نمودند و یا به این باور بودند که باید برای حصول اطمینان از مصونیت خود دست به این کار بزنند. شماری از آنان گزارش داده اند که مجبور به ازدواج یا ترک خانواده شده اند. در همچو یک حالتی که طالبان هم در ارتکاب خشونت دست دارند و هم از آن چشم پوشی می نمایند، افراد دگرباش جنسی یا (LGBTQIA+) به هیچ وجه نمی توانند مسیری را که در افغانستان به عدالت بانجامد، بپیمایند.

56. شماری زیادی از آنان به کشور های همسایه متواری شده اند، جایی که هنوز هم هراس دارند که مبادا به نسبت گرایش جنسی یا هویت جنسیتی شان قربانی شوند و آنها با خطر اخراج به افغانستان روبرو اند. قربانیان یاد آوری نموده اند که از لحاظ جستجوی محافظت در داخل افغانستان یا حین خروج از افغانستان، حمایت ناکافی وجود دارد، منجمله عدم آگاهی و ظرفیت پایین نهاد های بشردوستانه و مؤسسات غیردولتی در عرصه رسیدگی به نیازمندیهای محافظتی آنان. افرادی که با آنها مشوره صورت گرفته است، تاکید ورزیده اند که یگانه پناهگاه آنها می تواند کشور های باشند، که از افراد دگرباش جنسی یا (LGBTQIA+) حمایت همه جانبه می نمایند. تعداد انگشت شمار کشور ها زمینه پناهندگی و اسکان مجدد را برای اعضای افغان جوامع یاد شده فراهم ساخته اند.

1. اقلیت های قومی، مذهبی و زبانی

57. افغانستان یک کشور دارای اقوام، زبان ها و مذاهب متعدد بوده و در آن جوامع مختلف مانند پشتون، تاجک، هزاره، اوزبیک، ترکمن، سنی، شیعه، سیک، هندو و شماری از جوامع مذهبی، قومی و زبانی دیگر زندگی می نمایند. گزارشگر ویژه، در جریان ماموریت خویش به گزارشات پیهم نقض حقوق اقلیت های مذهبی، قومی و زبانی توسط اعضای گروه طالبان و حامیان آنها دست یافته است.

58. مسلمانان شیعه متعلق به ملیت هزاره، و همچنان جوامع سیک و هندو، همواره مورد هدف شاخه خراسان داعش قرار گرفته اند، که عمدتاً مکاتب، بازار ها، اماکن مذهبی و وسایط ترانسپورتی عامه آنها هدف قرار گرفته اند. در مورد اینکه طالبان برای محافظت و کمک به این جوامع اقلیت اقدامات خیلی ناچیز را روی‌دست گرفته اند، نگرانی های قابل ملاحظه وجود دارند.

59. وضع محدودیت بر لباس زنان و دختران همه جوامع از جمله جامعه پشتون را در بیان فرهنگ آن‌ها به شمول پوشیدن لباس‌های سنتی مختل می‌کند. گزارشگر ویژه همچنین یادآور می‌شود که دستگیری طالبان در رابطه با عدم رعایت مقررات لباس اعمال‌شده بر زنان و دختران به طور نامتناسبی بر روی اکثریت هزاره و تاجیک متمرکز بوده‌است .

60. نقض حقوق بشر اقلیت های قومی، مذهبی و زبانی در افغانستان، با نظام نهادینه شدۀ تبعیض جنسیتی توسط طالبان پیوند دارد و این امر سبب شده است که زنان و دختران جوامع اقلیت، آسیب های مشخص را تجربه نمایند و پیامد های منفی آن توسط نابرابری های ساختاری که از قبل وجود دارند، وخامت بیشتر کسب نماید.

 III. تحلیل قانونی

61. گزارش هذا، بر مبنای چهارچوب قانون بین‌المللی عامه، به شمول حقوق بشر بین المللی و حقوق جزای بین المللی استوار است. این تحلیل متکی به معلومات جمع آوری شده از طریق میکانیزم های مشوره و ارسال نظریات، منجمله مشوره گسترده با کارشناسان حقوقی و معلومات ارائه شده در گزارشات قبلی می باشد.

1. نقض مشهود حقوق بشر

62. افغانستان به عنوان یکی از اعضای کلیدی در برابر کنوانسیون های بین‌المللی و مصوبه های معاهدات حقوق بشر و انجام مکلفیت های مشخص شده متعهد می باشد[[8]](#footnote-9). تحقق کامل این تعهدات نه تنها مستلزم اینست که باید از نقض آن خودداری شود، بلکه باید یک فضای مناسب برای پابندی به آن ایجاد شود، که عمدتاً می توان آن را از طریق ایجاد و ابقای نهاد ها، قوانین و پالیسی های تضمین کنندۀ حاکمیت قانون و تقویت دهندۀ حسابدهی تحقق بخشید[[9]](#footnote-10).

63. طوری که در گزارشات قبلی به تفصیل به آن اشاره شده است، طالبان حقوق بشر را به صورت مشهود و سیستماتیک نقض می کنند. طالبان از طریق نهادینه ساختن نظام سرکوب جنسیتی، افغان های دارای جنسیت های مختلف، خاصتاً زنان و دختران را از حقوق شان که عمدتاً قرار ذیل اند، محروم می سازند: حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی، حق عدم مواجه شدن با شکنجه و سایر رفتار های ظالمانه، غیرانسانی و تحقیر آمیز، حق عدم دستگیری یا بازداشت خودسرانه، حق عدم بردگی، حق عدم مداخله خودسرانه در حریم خصوصی و خانوادگی، حق دسترسی به عالیترین خدمات صحت جسمی و روانی، حق دسترسی به غذای کافی، حق دسترسی به آب و بهداشت/حفظ‌الصحه، حق آموزش، حق مشارکت در زندگی فرهنگی، حق برابری در برابر قانون، و حق حمایت برابر در برابر تبعیض. گزارشگر ویژه، تاکید می ورزد که خشونت علیه زنان و دختران، طوری که در قوانین بین‌المللی حقوق بشر، علی‌الخصوص کنوانسیون منع تمام انواع تبعیض علیه زنان تعریف گردیده است، یک تبعیض آشکار می باشد[[10]](#footnote-11).

64. گزارشگر ویژه روی انجام مکلفیت ها و تعهدات افغانستان به عنوان عضو کنوانسیون منع تمام انواع تبعیض علیه زنان، کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تاکید می نماید. تعهداتی که در برابر اسناد متذکره و سایر اسناد صورت گرفته اند، شامل برابری حقوق زنان و دختران با مردان و پسران، حق آموزش در تمام سطوح، حق کار و اشتغال، و حق مشارکت در روند پالیسی سازی دولت و سایر عرصه های زندگی عامه، می باشد[[11]](#footnote-12). اینگونه تعهدات، که مقامات بالفعل به رعایت آنها ملزم پنداشته می شوند، مستلزم اینست که از آنها در قوانین و پالیسی ها محافظت صورت گیرد و برای تحقق آنها نهاد ها و طرزالعمل های حاکمیت قانون ایجاد و تدوین شوند.

65. اطفال افغان، در تمام دوره طفولیت شان با خطر نقض حقوق بشر روبرو اند، که پیامد های شدید جسمی و روانی در قبال دارد. این مسئله خاصتاً در مورد دختران صدق می کند، زیرا آنها از دسترسی برابر به آموزش بیشتر محروم بوده و در نتیجه با خطر بلند بدرفتاری، منجمله ازدواج اجباری و بردگی روبرو می باشند. پسرانی که در یک نظامی که بی حرمتی به کرامت انسانی زنان و دختران را مشروعیت می بخشد پرورش یابند و از فرصت‌ های آموزشی و اقتصادی ناچیز برخوردار باشند، عمدتاً در برابر بدرفتاری و رادیکالیزم آسیب‌پذیر می باشند، که به نوبه خود نگرانی ‌های امنیتی را که فراتر از مرز های کشور گسترش خواهد یافت به بار خواهد آورد.

66. اطفال نیز مانند بزرگسالان بر مبنای هویت های مختلف مانند جنسیت، سن، قومیت و مذهب آسیب های مشخص را تجربه نموده اند. اما، معروض شدن اطفال با نظام های استبدادی نهادینه شده، و آسیب های تحمیل شدۀ ناشی از ابقای همچو نظام، احتمالاً بالای توانایی آنها در راستای دستیابی به حقوق و در مجموع رشد شان پیامد های گسترده تر خواهد داشت.

 B. جرایم علیه بشریت

67. طوری که در ماده هفتم اساسنامه روم محکمه جزای بین‌المللی در مورد جرایم علیه بشریت تسجیل گردیده است، باید به عنوان بخشی از یک حمله گسترده یا سیستماتیک علیه هرگونه جمعیت ملکی، با داشتن آگاهی کامل از حمله، مدنظر گرفته شود. صرف به گونۀ که باید حمله در مجموع گسترده یا سیستماتیک باشد، نه عملکرد فرد.

68. جرایم علیه بشریت ممکن است در زمان صلح نیز ارتکاب یابند، بنابراین یک حمله محدود به جنگ یا استفاده از نیروی مسلح نیست و می‌تواند شامل یک روند رفتاری باشد که اعمال خشونت‌آمیز و یا غیرخشونت آمیز را در بر گیرد. بر مبنای اساسنامه محکمه جزای بین‌المللی، حمله باید "مطابق با یا در جهت پیشبرد سیاست یک دولت یا سازمان برای ارتکاب چنین حمله‌" صورت گیرد[[12]](#footnote-13)، و این امر مستلزم آن است که "دولت یا سازمان فعالانه چنین حمله‌ای علیه یک جمعیت ملکی را ترویج یا تشویق کند[[13]](#footnote-14)".

69. گزارشگر ویژه، به این نتیجه می رسد که نظام نهادینه شده تبعیض، جداسازی، بی حرمتی به کرامت انسانی و حذف زنان و دختران، اعمال شده توسط طالبان به نوبه خود به عنوان یک حمله گسترده و سیستماتیک بالای تمام جمعیت ملکی افغانستان پنداشته می شود. طوری که تذکر داده شد، این حمله از یک سو گسترده است و عدۀ کثیری افراد ملکی را به سطح کشور متاثر می سازد و از سوی دیگر سیستماتیک است و سازماندهی آن از بلندترین سطوح حکومتداری بالفعل صورت می گیرد و یک طرح ریزی منظم را دنبال می نماید.. این حمله بر مبنای یک پالیسی سازمانی انجام می یابد، که مقامات طالبان به پنهان کردن آن مبادرت نه ورزیده اند.

70. معلوماتی که در اختیار گزارشگر ویژه قرار گرفته اند، به وضاحت نشان می دهد که افراد مختلف، به شمول اعضای ارشد گروه طالبان، اما نه محدود به آنها، به عنوان بخشی از ابقای اپارتاید جنسیتی نهادینه شده، که دربر گیرندۀ یک حمله گسترده و سیستماتیک بالای جمعیت ملکی می باشد، اقدامات متعدد نموده اند.

**1. تعذیب جنسیتی**

71. مطابق بند (2) (g) ماده هفتم اساسنامه روم، "تعذیب" عبارت از محرومیت عمدی و شدید از حقوق اساسی می باشد که بر مبنای هویت یک گروه یا اجتماع صورت می گیرد و با قوانین بین‌المللی مغایرت دارد. رفتار مربوطه شامل تعذیب مردم در پیوند با هرگونه عملکرد ذکر شده در بند (1) ماده هفتم و یا هرگونه جرمی می باشد، که صلاحیت رسیدگی به در اختیار محکمه قرار دارد.

72. طالبان، از طریق اعمال یک نظام نهادینه شدۀ تبعیض جنسیتی، زنان و دختران را از حقوق اساسی شان، به شمول حقوق برابری اساسی، آموزش باکیفیت، صحت، مشارکت برابر در زندگی اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و سیاسی، برابری در برابر قانون، آزادی از شکنجه و سایر رفتار های ظالمانه، غیرانسانی و تحقیر آمیز، آزادی از تبعیض و آزادی گشت و گذار، تشکیل اجتماعات مسالمت آمیز، انجمن و بیان، شدیداً محروم می سازند. همچنان، طالبان از طریق عملکرد های چون بازداشت خودسرانه، شکنجه و سایر رفتار ها یا مجازات ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز، خشونت جنسی و ناپدید شدن اجباری، احکام ناقض حقوق عامه را تطبیق می ‌نمایند، که تمام اینها محرومیت شدید از حقوق اساسی را به دنبال دارد.

73. زنان و دختران به نسبت مشخصات جنسیتی شان و ساختار های اجتماعی و معیارات استفاده شده برای تعریف نقش ها، رفتار، فعالیت ها و ویژگی های جنسیتی، مورد تغذیب جنسیتی قرار می گیرند. گزارشگر ویژه، تعذیب دختران افغان را با در نظر داشت آسیب های دوامدار ناشی از آن و با توجه به اینکه در چهارچوب قوانین بین‌المللی اطفال از شناسایی و حمایت ویژه برخوردار اند، یک نگرانی عمده می پندارد.

74. در میان قربانیان تعذیب جنسیتی، جامعه دگرباش جنسی یا ( LGBTQIA+) افغانستان نیز قرار دارد، که عمدتاً از محرومیت شدید از حقوق اساسی، منجمله حقوق زندگی، امنیت شخصی، آزادی از شکنجه و سایر رفتار ها یا مجازات ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز، آزادی از تبعیض و برابری در برابر قانون، اما نه محدود به اینها، رنج می برند.

75. هدف تبعیض‌آمیز که موجب آزار و اذیت بر مبنای جنسیت می‌شود، ممکن است با آزار و اذیت بر اساس دین و قومیت صورت گرفته باشد. گزارشگر ویژه در طول مأموریت خود به موارد جدی نقض حقوق بشر که توسط طالبان و حامیان آن، و همچنین توسط داعش، علیه جوامع هزاره، تاجیک، ازبک، ترکمن، هندو و سیک در افغانستان و نیز علیه زنان و دختران پشتون ارتکاب یافته‌اند، توجه اش را مبذول نموده است. نیت تبعیض‌آمیز زمینه‌ساز باید به عنوان آزار و اذیت بر مبنای جنسیت، دین و قومیت تحلیل شود که این عوامل به‌طور هم‌زمان وجود دارند.

**2. قتل**

76. تبعیض و جداسازی نهادینه شده توسط طالبان، با قتل های که توسط اعضای گروه طالبان و حامیان آنها و توسط شاخه خراسان انجام یافته اند، تقویت گردیده است. اینگونه قتل ها عمدتاً در منازل شخصی، اماکن عامه و توقیفخانه ها اتفاق افتاده اند و قربانیان آن عمدتاً مدافعان حقوق بشر، حقوق دانان، څارنوالان، قضات، متعلمان/محصلان، معلمان و افسران پولیس بوده و عده کثیری آنها را زنان تشکیل می دهند. قربانیان، عموماً بر مبنای جنسیت و در بسیاری موارد بر مبنای ارتباط هویت های قومی و/یا مذهبی شان مورد هدف قرار گرفته اند.

77. در حالاتیکه مرگ و میر قابل وقایه، ناشی از عدم توانایی دسترسی زنان و دختران به مراقبت های صحی می باشد، مثلاً، بنابر محرومیت آنها از دسترسی به دوکتوران متخصص و یا به دلیل الزامی بودن محرم، باید همچو وفیات در روشنایی قوانین جرایم بین‌المللی تحلیل و بررسی شوند.

78. نگرانی های وجود دارد که طالبان سنگسار زنان در محضر عام را دوباره آغاز خواهند نمود، که این امر به نوبه خود خطرات روزافزونی را که زنان و دختران در افغانستان با آن روبرو اند، برجسته می سازد. به باور گزارشگر ویژه، همچو عملکرد های که به مرگ می انجامند، به یقین می تواند بخشی از حمله گسترده و سیستماتیک جاری باشد و می توان اینگونه قتل ها را به عنوان جرایم علیه بشریت تلقی نمود.

**3. ناپدید شدن اجباری**

79. ناپدید شدن اجباری، که به عنوان جرایم علیه بشریت شناخته می شود، عمدتاً شامل دستگیری، بازداشت یا ربودن افراد بوده، که توسط یک دولت یا سازمان سیاسی و یا حمایت و موافقه آن صورت می گیرد، و امتناع از اعتراف به سلب آزادی و یا ارائه معلومات در مورد سرنوشت و وضعیت افراد مذکور، به هدف محروم ساختن درازمدت آنها از حمایت قانون، را به دنبال دارد [[14]](#footnote-15). قضایای مرتبط به ناپدید شدن مدافعان حقوق بشر، کارمندان حقوقی و معترضان، که عده کثیری آنها را زنان تشکیل می دهند، مستند سازی شده اند.

**4. شکنجه**

80. معلوماتی که در جریان دوره ماموریت گزارشگر ویژه در اختیار وی قرار گرفته است، حاکی از شکنجه زنان و دخترانی می باشد، که در توقیفخانه های تحت اداره طالبان به سر می برند، به ویژه آنهایی که عملاً و یا متصوراً ظلم و ستم سیستماتیک آنها را به چالش می کشند.

81. زنان و دختران توسط طالبان، حامیان آنها و اعضای خانواده شان مورد لت و کوب و سایر انواع خشونت جسمی و روانی قرار گرفته اند. اینگونه برخورد ها شامل مجازات رفتار "غیرقابل قبول"، منجمله سرپیچی از احکام داشتن محرم، امتناع ورزیدن از ازدواج اجباری و تمایل جنسیتی "نامناسب" می باشند.

82. طالبان بالای مرتکبین قضایای ارتداد، زنا، روابط همجنسگرایی و دزدی، مجازات حدود شرعی را تطبیق می نمایند، که می تواند شامل، قصاص و شلاق زدن باشد. اینگونه مجازات که عمدتاً با کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مغایرت دارند، باید به عنوان جرایم احتمالی علیه بشریت نیز تحلیل و بررسی شوند.

**5. تجاوز جنسی و سایر عملکرد های خشونت جنسی**

83. گزارشگر ویژه، در مورد اعمال خشونت جنسی علیه زنان معترض که در بازداشت به سر می برند، و در محدوده ازدواج اجباری، به شمول دختران جوان، گزارش ارئه نموده است. قربانیان جامعه دگرباش جنسی یا ( LGBTQIA+) خاطر نشان نموده اند که به عنوان مجازات برای گرایش جنسی و/یا هویت جنسیتی شان، معروض به تجاوز جنسی از سوی اقارب و اعضای گروه طالبان می باشند. همچنان مدارکی در مورد قضایای بهره برداری جنسی پسران فقیر، که بچه بازی نامیده می ‌شود، وجود دارند.

84. گزارشگر ویژه، تاکید می ورزد که خشونت جنسی در برابر تمام جنسیت ها، خاصتا در برابر زنان و دختران، هدف ستراتیژیک تقویت نظام استبدادی و اپارتاید جنسیتی را که توسط طالبان نهادینه شده است، تقویت می بخشد.

**6. بردگی**

85. هنوز هم جنایت بردگی به درستی درک نشده است، به همین نسبت به آن توجه کمتری صورت گرفته است. شاخص های عمدۀ بردگی عبارت از کنترول گشت و گذار، کنترول محیط فزیکی، کنترول روانی، اقداماتی که به منظور وقایه یا جلوگیری از فرار صورت می گیرند، استفاده از زور، تهدید نمودن به زور یا اجبار، مدت، انحصار و معروض بودن به رفتار ظالمانه و بدرفتاری، کنترول تمایلات جنسی و کار اجباری می باشند. در مورد شرایط اقتصادی و اجتماعی افغان ‌ها، ازدواج‌ های اجباری، محدودیت ‌های آزادی گشت و گذار و محرومیت از تحصیل که می توانند به بردگی در افغانستان دلالت نماید، به تمرکز بیشتر و مدارک مبتنی بر جنسیت نیاز است.

**7. سایر اعمال غیرانسانی**

86. جنایت موسوم به "سایر اعمال غیرانسانی"، بر مبنای بند (1) (k) ماده هفتم اساسنامه روم، عمدتاً به کتگوری باقیمانده جرایم جدی که در ماده مذکور تذکر داده نشده اند، اطلاق می گردد. اعمال ذیل که به عنوان بخشی از حمله تعریف شده در فوق به وقوع می پیوندند، می تواند شامل جرایم علیه بشریت "سایر اعمال غیرانسانی" باشد: لت و کوب و سایر اعمال خشونت آمیز، آسیب جدی جسمی و روانی، انتقال اجباری، رفتار ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز، تن فروشی اجباری، ناپدید شدن اجباری، و ازدواج اجباری. این فهرست ارائه شده مکمل نیست.

87. ماهیت باقی‌مانده جرایم «سایر اعمال غیرانسانی» باعث شده تا جرایمی که بیشتر احتمال می‌رود علیه جوامع به حاشیه رانده شده، به ویژه زنان و دختران، انجام شوند، وارد چارچوب پیگرد عدلی و قضایی محکمه جزای بین‌المللی شوند. گزارشگر ویژه څارنوالان و مستنطقین را ترغیب می کند تا ماهیت انعطاف پذیری نسبی "سایر اعمال غیرانسانی" و شواهدی که می توانند جرایم ناشناخته مانند اپارتاید جنسیتی و ازدواج اجباری را ارائه نمایند به بررسی بگیرند و بدین ترتیب از درج مجموعه آسیب های قربانیان و بازماندگان در شواهد و سوابق تاریخی اطمینان حاصل نمایند.

1. **اپارتاید جنسیتی**

88. اپارتاید جنسیتی، یک مفهومی است که هم از حقوق بشر بین‌المللی و هم از حقوق جزای بین المللی اقتباس گردیده است. در جریان مشوره های متعدد و دریافت پیام های کتبی، افغان ها، علی‌الخصوص زنان افغان تأکید ورزیده اند که واژه اپارتاید جنسیتی مجموعۀ آسیب های مختلف و چند‌نسلی را که به آنها وارد شده است، به وجه احسن تحت پوشش قرار داده و خواستار به رسمیت شناختن آن به عنوان جرایم علیه بشریت شده اند.

89. تلاش ها در راستای تدوین مسوده کنوانسیون جرایم علیه بشریت می ‌تواند از طریق تعدیل در تعریف اپارتاید مندرج در بند (2) (h) ماده هفتم اساسنامه روم، روزنه ای را برای به رسمیت شناختن این جرایم بگشاید، که به نسبت آن اپارتاید جنسیتی به عنوان "عملکرد های غیرانسانی که در چوکات یک نظام نهادینه شده ستم و تسلط سیستماتیک یک گروه جنسیتی بالای گروه یا گروه های جنسیتی دیگر و به نیت ابقای نظام مذکور، صورت گرفته اند" شناخته خواهد شد. قسمی که گزارشگر ویژه و گروه کاری رسیدگی به تبعیض علیه زنان و دختران، در گزارش مشترک شان تذکر داده اند، این تعریف دقیقاً تبعیض سیستماتیک علیه زنان و دختران را که هستۀ ایدیولوژی و حکومت طالبان را تشکیل می دهد، بیان می دارد[[15]](#footnote-16).

90. آپارتاید، چه بر مبنای نژاد و چه بر مبنای جنسیت، بر ماهیت نهادینه‌شده و سیستماتیک سرکوب تأکید دارد. این جرم از دو جنبه با سایر جنایات بین‌المللی متفاوت است. اول، آپارتاید فقط در بستر یک رژیم نهادینه‌شده از سرکوب و سلطه سیستماتیک ارتکاب می‌یابد. دوم، این جرم با نیت خاص و منحصر به فرد حفظ آن رژیم ارتکاب می‌یابد، نیتی که ممکن است فراتر از افرادی که رژیم آپارتاید را تأسیس کرده‌اند، برود. عناصر متمایز این جرم، همراه با الزامات زمینه‌ای که در تمام جرایم علیه بشریت مشترک هستند، معیاری بالا تعیین می‌کنند که اطمینان می‌دهد ارتکاب جرم آپارتاید به وضوح فراتر از نابرابری‌هایی است که اکثر جوامع هنوز در تلاش برای رفع کامل آنها هستند.

91. جنایت اپارتاید قربانیان احتمالی متعدد را تحت پوشش قرار می دهد، یعنی تمام افرادی که به دلیل مقاومت در مقابل استبداد و اپارتاید نهادینه شده و تسلط سیستماتیک، با یک عمل غیرانسانی معروض اند. بر خلاف جنایت نسل کشی، که عمدتاً قربانیان آن باید بخشی از گروهی مورد هدف باشند، قربانیان جنایت اپارتاید به کدام گروهی محدود نیستند. در افغانستان، قربانیان اعمال غیرانسانی که به هدف ابقای استبداد و اپارتاید جنسیتی نهادینه شده توسط طالبان به وقوع پیوسته اند، نه تنها شامل زنان، دختران و افراد دگرباش جنسی یا ( LGBTQIA+) بوده، بلکه شامل مردان و پسران نیز می باشد، منجمله به دلیل مقاومت فعالانه و متحدانه و یا عدم توانایی در نظارت از رفتار زنان و دختران "شان". سرکوب مقاومت، بدون در نظر داشت هویت افرادی که از آنها اطاعت نمی کنند، برای طالبان ضروری می باشد، تا بتوانند نظام نهادینه شدۀ استبداد جنسیتی خویش را ابقا نمایند.

92. به رسمیت شناختن جنایت علیه بشریت اپارتاید جنسیتی، علاوه بر تقویت چهارچوب معیاری قانون بین‌المللی، بالای مکلفیت های دولت ها در راستای روی‌دست گرفتن اقدامات مؤثر به منظور جلوگیری و مجازات عاملان این عملکرد، تاکید جدی می نماید.

93. زنان افغان تاکید ورزیده اند که از مفهوم اپارتاید جنسیتی عمدتاً به عنوان یک ابزار بسیج کننده، منجمله در شکل گیری بحث ها پیرامون معیارات تعامل دولت ها با طالبان و به عنوان یک عامل جلوگیری کننده از روند عادی سازی، استفاده می شود.

94. گزارشگر ویژه، قاطعانه به این باور است که اپارتاید جنسیتی ماهیت نهادینه شده و ایدیولوژیک بدرفتاری های مورد بحث را به صورت کامل توضیح می دهد و مکلفیت های سایر بازیگران بین‌المللی را در قبال پاسخدهی مناسب در برابر آن به صورت کامل مشخص می سازد. وی تعبیر در حال ظهور و جنسیتی مفهوم اپارتاید را به عنوان اپارتاید جنسیتی می داند. جهت رسیدگی مؤثر به بحران حقوق بشر جاری و بی مثال که زنان افغان با آن دست و پنجه نرم می کنند، تقویت این تعبیر خیلی ضروری می باشد.

95. به رسمت شناختن اپارتاید جنسیتی به عنوان جنایت علیه بشریت، در واقع بازتاب دهندۀ وضعیت آن به عنوان جنایتی است که وجدان بشریت را شوکه کرده و حقوق بین الملل را نقض می کند. از اینرو، گزارشگر ویژه به این باور است که نظام نهادینه شدۀ تسلط و سرکوب زنان و دختران در افغانستان باید به بحث در مورد به رسمیت شناختن جنایت اپارتاید جنسیتی بیانجامد، عیناً مانند تسلط و ستم سیستماتیک بالای سیاهپوستان و سایر افراد غیر سفیدپوست در افریقای جنوبی، که فعالان ضد اپارتاید و دولت ها را برانگیخت تا جنایت اپارتاید را به رسمیت بشناسند و بدین ترتیب در پایان دادن آن ممد واقع شد.

**D. قاچاق انسان**

96. نظارت بیشتر از رویداد های قاچاق زنان، دختران و پسران در داخل افغانستان و به خارج از کشور یک امر ضروری پنداشته می شود. این در حالی است که اسناد چالش برانگیز به نظر می رسند و شاخص ها حاکی از خطرات قابل ملاحظه می باشند، علی‌الخصوص در قضایای قاچاق که به اهداف ازدواج اجباری، بردگی خانوادگی و بهره برداری جنسی، و استخدام و استفاده از اطفال به نحوی به شکل قاچاق و تخلفات شدید در برابر اطفال در جریان خشونت های مسلحانه، به وقوع می پیوندند. محرومیت از دسترسی دختران به آموزش و ظرفیت ناچیز محافظت از اطفال، عواملی پنداشته می شوند که عمدتاً خطرات قاچاق اطفال را افزایش می بخشند. با در نظر داشت عدم ارائه خدمات، زنانیکه سرپرستی خانواده های خود را بر عهده دارند و زنان بیوه نیز با خطر معروض هستند. قسمی که اطلاعات در حال افزایش اند، باید ارتباط بین قاچاق انسانی و تعذیب جنسیتی، منجمله به عنوان انواع شکل گرفتۀ بردگی در تحلیل های که در این زمینه صورت می گیرند مدنظر گرفته شوند.

1. **مسیر های آینده**

97. گزارشگر ویژه، همواره تأکید ورزیده است که برای اصلاح و یا کاهش تبعیض جنسیتی طالبان هیچ مسیر مشخصی وجود ندارد و ما باید برای به چالش کشیدن سیستم های نهادینه تبعیض جنسیتی آنها راه ها و ابزار مختلف را بررسی نماییم.

98. استراتژی و توصیه‌های زیر با هدف ایجاد یک چارچوب تقویت‌کننده متقابل ارائه شده‌اند: الف) در نظر گرفتن تمامی موارد نقض حقوق بشر و تخلفات قوانین بین‌المللی که علیه افراد، به‌ویژه زنان و دختران، در افغانستان در حال ارتکاب است. ب) اطمینان حاصل کردن از اینکه هرگونه تعامل با طالبان مشروط به احترام به حقوق بشر، به‌ویژه حقوق زنان و دختران باشد، از جمله تعیین معیارهای مشخص برای ارزیابی این احترام. ج) حمایت و تقویت صداها، فعالیت‌ها و حضور زنان و دختران از سراسر جامعه متنوع افغانستان.

1. **عدالت و حسابدهی**

99. با در نظر داشت موانعی که در برابر دسترسی به عدالت در داخل افغانستان تحت حاکمیت طالبان وجود دارند و ظاهراً عبور از آن دشوار به نظر می رسد، باید در مجامع مختلف بین‌المللی مسیر های پروسه های تامین عدالت که بالای قربانیان متمرکز باشند، شناسایی شوند و از آنها حمایت صورت گیرد. رویکردی که گزارشگر ویژه برای تامین عدالت در نظر دارد، عمدتاً شامل مدنظر گرفتن همه جانبۀ قانون حقوق بشر و حسابدهی در برابر جنایات در پروسه های عدالت انتقالی، منجمله حقیقت یابی، جبران خساره، یادآوری و پیگیری مکلفیت های دولتی می باشد، اما محدود به اینها نیست.

100. این رویکرد از اهداف متعدد برخوردار بوده و دربر گیرندۀ مسایل ذیل می باشد: مجازات بدرفتاری و جنایاتی که طالبان، عوامل و حامیان آن مرتکب شده اند و در نتیجه مقابله با فرهنگ معافیت از مجازات که در افغانستان پیشینه دراز‌مدت دارد، تهیه یک ریکارد دایمی از تجارب تلخ زنان ، دختران و سایر جوامع به حاشیه رانده شده در افغانستان، تقویت ایستادگی در برابر عادی سازی روابط با طالبان، و فراهم ساختن فرصت ها برای قربانیان و بازماندگان، به ویژه زنان و دختران، تا آنها مشارکت داشته باشند، به صدای شان گوش داده شود و بدرفتاری سیستماتیکی که دامنگیر آنها است، شناسایی و محکوم شود.

**1. محکمه بین المللی عدالت**

101. محکمه بین‌المللی عدالت، یک مرجع حیاتی برای رسیدگی به مکلفیت های دولت در برابر قضایای شدید نقض حقوق بشر، مثلاً قضایای که در افغانستان اتفاق می افتند، پنداشته می شود. گزارشگر ویژه، از تلاش ها در راستای آغاز روند گشودن یک پرونده علیه افغانستان در محکمه جزای بین المللی به نسبت سرپیچی از کنوانسیون منع تمام انواع تبعیض علیه زنان، کنوانسیون حقوق سیاسی زنان و سایر اسناد مرعی‌الاجرا که افغانستان آنها را به تصویب رسانیده است، حمایت همه جانبه می نماید.

102. محکمه بین‌المللی عدالت ، جهت رسیدگی به بدرفتاری ها، به عنوان بخشی از اپارتاید جنسیتی نهادینه شده توسط طالبان، که به مثابه مقامات بالفعل قلمرو افغانستان را تحت کنترول دارند، یک اجماع را تشکیل خواهد داد. بر مبنای قوانین بین‌المللی، هر مرجعی به رسمیت شناخته یا کنترول کننده کشور، مکلف است که در برابر تعهدات افغانستان در قبال معاهدات بین‌المللی که آن را به تصویب رسانیده است، منجمله کنوانسیون منع تمام انواع تبعیض علیه زنان، پابند باشد[[16]](#footnote-17). باید خاطر نشان نمود که با توجه به مدارک موجود، گشودن چنین پرونده، معادل و مستلزم به رسمیت شناختن طالبان به عنوان دولت قانونی افغانستان نمی باشد[[17]](#footnote-18).

**2. محکمه جزای بین‌المللی**

103. در ماه اکتوبر 2022، دیوان مقدماتی دوم محکمه جزای بین اللملی به څارنوالی (دادستانی) اجازه داد تا تحقیقاتش را در مورد وضعیت افغانستان از سر گیرد. این تحقیقات به طور خاص جرایم علیه بشریت و جنایات جنگی را که از ماه می 2023 بدینسو در افغانستان به وقوع پیوسته اند، دقیقاً از زمانیکه محکمه پس از الحاق افغانستان به اساسنامه روم در ماه فبروری 2003 اعمال صلاحیت قضایی در افغانستان را آغاز نموده است، تحت پوشش قرار می دهد. څارنوالی (دادستانی) خاطر نشان نموده است که تحقیقات متذکره عمدتاً بالای ادعا های جنایاتی که اعضای گروه طالبان و شاخه خراسان مرتکب شده اند، متمرکز خواهد بود.

104. افغان ها، در جریان مشوره ها و سایر تماس ها با گزارشگر ویژه، از یک سو در رابطه به بررسی و تحقیقات ابتداییه طولانی ابراز ناامیدی نموده اند و از سوی دیگر از تلاش های څارنوالی (دادستانی) مذکور در راستای پیگرد عدلی و قضایی جنایات مرتکب شده در افغانستان، خاصتاً در برابر زنان و دختران و اقلیت های مذهبی و قومی، ابراز امیدواری نموده اند. در مورد پیگرد عدلی و قضایی جنایت تعذیب علیه بشریت، به عنوان ابزار رسیدگی به تبعیض سیستماتیک در عرصه های مختلف و به پای میز عدالت کشانیدن عاملان آن به خاطر هدف قرار دادن افراد بر مبنای هویت شان، تمرکز خاص صورت گرفته است.

105. گزارشگر ویژه، فراهم ساختن منابع مورد نیاز توسط محکمه جزای بین‌المللی را برای اجرای تحقیقات موثر در مورد جنایات در روشنایی قوانین بین‌المللی، یک امر لازمی می داند. به ویژه، با در نظر داشت چالش های عمدۀ که در عرصه تحقیقات در افغانستان به چشم می خورند، باید کشور ها تعهد نمایند که همکاری شان را با محکمه جزای بین‌المللی جهت راه اندازی همچو تحقیقات گسترش بخشند.

**3. محکمه های ملی، منجمله بر مبنای اصل صلاحیت قضایی جهانی**

106. گزارشگر ویژه، واحد های مختلف ذیربط څارنوالی ملی را ترغیب می نماید تا تحقیقات مبتنی بر جنسیت را در مورد جنایات مرتکب شده توسط اعضای تمام جناح های درگیر در خشونت ها را و پس از به قدرت رسیدن دوباره طالبان، آغاز نمایند. اینگونه اقدامات شامل پیگرد عدلی و قضایی داخلی جرایم مرتکب شده توسط نیرو های ملی و تلاش ها در راستای محاکمه دارای صلاحیت جهانی بوده، که به نوبه خود زمینه را برای پیگرد جنایات جدی بین‌المللی مرتکب شده در خارج از، حتی زمانیکه مظنون یا قربانی تحت قوانین مشخص هیچگونه ارتباطی با کشور مذکر نداشته باشد، فراهم می ‌سازد.

**4. مکمِل بودن پیگرد عدلی و قضایی به منظور حسابدهی**

107. کانال های محاکمه، مجدداً توجه جامعه بین‌المللی را بر وضعیت اسفبار زنان و دختران افغان جلب خواهد نمود. پیگیری مکلفیت های دولت در محکمه جزای بین‌المللی، مکمِل تلاش های که هدف آن تضمین حسابدهی جرمی افراد که عمدتاً از طریق مجامع مانند محکمه جزای بین‌المللی صورت می گیرد، می باشد، در حالیکه به نقض های متعددی که دامنگیر زنان و دختران است و شاید به عنوان جنایات بین‌المللی پنداشته نشود، نیز رسیدگی می‌ نماید. افزون بر آن، رسیدگی از طریق محکمه جزای بین‌المللی، توام با رسیدگی از طریق محکمه جزای بین‌المللی و محاکم ملی، زمینه را برای ریکارد انکار ناپذیر مجموعۀ از تجارب تلخ افغان ها تحت حاکمیت طالبان فراهم خواهد ساخت. آنها مشترکاً تلاش های دادخواهی را تقویت خواهند بخشید، انواع جدید حمایت بین‌المللی را بسیج خواهند نمود و یک بستر مناسب را برای مدافعان حقوق بشر افغان فراهم خواهند ساخت. همچنان آنها می توانند به عنوان یک عامل بازدارندۀ تعامل با طالبان در صورتیکه به ملاحظات حقوق بشر توجه لازمی نه نمایند، عمل خواهند نمود و از تلاش های که در راستای جلوگیری از عادی سازی صورت می گیرند، حمایت خواهند نمود.

**B. حمایت از به رسمیت شناختن اپارتاید جنسیتی به عنوان جنایت علیه بشریت**

108. گزارشگر ویژه، از تلاش های گروه کاری رسیدگی به تبعیض علیه زنان و دختران، که در ماه فبروری 2024 خواستار به رسمیت شناختن اپارتاید جنسیتی به عنوان جنایت علیه بشریت شده است، حمایت همه جانبه می نماید[[18]](#footnote-19). این پیشنهاد، چهارچوب معیاری قانون بین‌المللی را تقویت می بخشد، تا از فرهنگ معافیت از مجازات عاملان اپارتاید جنسیتی در حال حاضر و آینده جلوگیری به عمل آید.

109. هرچند، تدوین و تصویب کنوانسیون جنایات علیه بشریت، بالای قضایای گذشته مرعی‌الاجرا نخواهد بود و بعید به نظر می رسد که مورد تایید طالبان قرار گیرد، اما وارد نمودن تعدیلات در اسناد مرتبط به جرایم اپارتاید موجود، به منظور گنجانیدن اپارتاید جنسیتی در آن، می تواند اپارتاید جنسیتی را به سطح پرنسیپ حقوق بین المللی برای ابطال و فسخ عمل موهن ارتقا بخشد و مکلفیت های دولت ها را در راستای جلوگیری و مبارزه با جنایت مذکور مشخص سازد.

**C. مدنظر گرفتن حقوق بشر و صدای زنان در پروسه های سیاسی و تعامل دیپلوماتیک**

**1. تدوین معیارات/شاخص های حقوق بشر برای تعامل**

110. استبداد جنسیتی نهادینه شده توسط طالبان، ناقض اصول منشور ملل متحد و روحیه اساسی و معیارات حقوق حقوق بشر بین‌المللی می باشد.

111. از آنجاییکه استبداد جنسیتی طالبان ریشه دوانیده است و مقامات بالفعل به دنبال به رسمیت شناختن قانونی خود هستند، بناءً برای تدوین و روی‌دست گرفتن چهارچوب ها و ستراتیژی های واضح برای تعامل با طالبان و در عین زمان تحقق اصول و تعهدات حقوق بشر، نیاز فوری وجود دارد. گزارشگر ویژه، تاکید می ورزد که برای تلاش های تدوین رهنمود های مبتنی بر حقوق بشر، به منظور سمت و سو بخشیدن تعامل با طالبان، به شمول معیارات/شاخص ها و ابزار های نظارت، گزارش‌دهی و ارزیابی پیشرفت ها، نیاز به سرمایه گذاری وجود دارد. علاوتاً، دولت ها مکلف اند تا حقوق زنان، برابری جنسیتی و منع تبعیض علیه زنان و خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان را در محراق توجه قرار دهند. تعامل خودسرانه و پلان ناشده با طالبان، می تواند به نحوی به عنوان پذیرفتن نقض حقوق بشر تصور شود. علی‌الخصوص، زمانیکه اینگونه تعاملات به بهای نادیده گرفتن رسیدگی به مسایل حقوق بشر تمام شود، می تواند به بی تفاوتی در برابر ظلم گسترده و سیستماتیک علیه زنان و دختران و سایر جوامع به حاشیه رانده شده در افغانستان دلالت نماید.

**2. گفتان ها در مورد آینده کشور**

112. گزارشگر ویژه، ابراز نگرانی نموده است که زنان افغان عمدتاً برخلاف تعهدات بین‌المللی که در چهارچوب اجندای زنان، صلح و امنیت بازتاب یافته اند، در مذاکرات مرتبط به آینده کشور، به شمول نشست های دوحه، نادیده گرفته شده اند. وی اکیداً تذکر می دهد که بدون مشارکت کامل زنان، تامین صلح پایدار و یک آینده عادلانه در افغانستان، به ویژه برای زنان و دختران به هیچ وجه تحقق نخواهد یافت. گزارشگر ویژه، از کشور های عضو که در برابر پالیسی های خارجی فمینیستی متعهد اند، مطالبه می نماید که از طریق حصول اطمینان از مشارکت زنان افغان در تمام گفتمان های سیاسی، منجمله پروسه دوحه و از طریق برداشتن گام های جدی در راستای حمایت از اقداماتی که در گزارش هذا پیشنهاد شده اند، پروسه های مربوطه را رهبری نمایند.

113. از کشور های عضو تقاضا به عمل می آید که تا زمانیکه در وضعیت حقوق بشر به ویژه وضعیت حقوق بشر زنان و دختران بهبود ملموس، قابل اندازه گیری و به گونه مستقل تأیید شده رونما نگردیده باشد، باید از عادی سازی یا مشروعیت بخشیدن به مقامات بالفعل خودداری نمایند. قسمیکه روند تهیه نقشه راه ادامه دارد، لازم است تا حقوق بشر در محراق توجه پروسه دوحه و هرگونه پروسه های سیاسی دیگر، منجمله از طریق اصرار بالای پابندی در برابر مکلفیت های مندرج در معاهدات حقوق بشر، طوری که در ارزیابی مستقلانه مطالبه شده توسط شورای امنیت توصیه گردیده است، قرار گیرد[[19]](#footnote-20).

114. گزارشگر ویژه، با در نظر داشت اهمیت حفظ جایگاه افغانستان در اجندای تمام سکو های بین‌المللی، هماهنگی بیشتر در تلاش ها را جداً ترغیب می نماید، تا گفتمان های راه اندازی شده در ژنیوا و نیویارک پیرامون وضعیت وخیم حقوق بشر در افغانستان، با همدیگر همگرایی داشته باشند. گزارشگر ویژه، خاطر نشان می سازد که شورای امنیت ارزیابی مستقل را که ذریعۀ قطعنامۀ شماره 2721 (سال 2023) خویش در مورد افغانستان مطالبه نموده بود، مثبت ارزیابی نموده است و نیاز به تضمین مشارکت کامل، برابر، پُررنگ/معنی دار و مصون زنان افغان را در پروسه بین‌المللی تصدیق نموده است و از سرمنشی سازمان ملل متحد تقاضا به عمل آورده است که برای افغانستان یک نماینده ویژه را که در مسایل حقوق بشر و جنسیت تخصص و تجارب قابل ملاحظه داشته باشد، تعیین نماید. در همچو تلاش ها باید حمایت از قطعنامۀ مجمع عمومی در مورد افغانستان (که هر دو سال بعد یک بار صادر می شود) شامل باشد و باید اطمینان حاصل شود که با استفاده از یک زبان صریح در مورد وضعیت زنان و دختران حرف بزند.

**D. تقویت مستند سازی**

115. مستند سازی استبداد جنسیتی نهادینه شده، و بدرفتاری ها و جنایات ارتکاب شده، در واقع مستلزم بررسی و تحلیل می باشد، که عمدتاً در روشنایی بهترین شیوه های بین‌المللی صورت می گیرد. اینگونه مستند سازی تهداب تحقیقات مبتنی بر حسابدهی، تدوین و تجدید معیارات/شاخص های مشارکت، و دادخواهی آگاهانه توسط بازیگران متعدد، به شمول مدافعان حقوق بشر، نهاد های جامعه مدنی، دولت ها و سازمان ملل متحد را تشکیل می دهد. همچنان، در راستای رسیدگی به اطلاعات نادرست که در حال حاضر پخش می شود، منجمله در رسانه های اجتماعی، ممد واقع می شود.

**1. افزایش بودجه برای جامعه مدنی افغانستان**

116. نهاد های که توسط افغان ها رهبری می شوند، علی‌الخصوص نهاد های که توسط زنان و سایر جوامع به حاشیه رانده شده افغان رهبری می ‌شوند، به تلاش های شان در راستای نظارت و مستند سازی معتبر قضایای نقض حقوق بشر در افغانستان ادامه می‌ دهند. عدۀ از آنها نیز در راستای تقویت پروسه های جمع آوری معلومات و پرونده سازی مبتنی بر حسابدهی به عنوان دیاسپورای افغان فعالیت می نمایند. بناءً، نیاز است تا برای همچو نهاد ها بودجه پایدار و سایر حمایت های لازم فراهم شود. در حالاتیکه می توان به چالش های امنیتی روز افزون رسیدگی نمود، باید برای مدافعان حقوق بشر در داخل و سرتاسر افغانستان بودجه اختصاصی مدنظر گرفته شود.

**2. فراهم ساختن منابع برای فعالیت های گزارشگر ویژه**

117. وضعیت وخیم حقوق بشر مستلزم اینست که برای فعالیت های گزارشگر ویژه منابع کافی فراهم شود، منجمله منابع اختصاصی برای جمع آوری و تحلیل اطلاعات. همچنان فراهم ساختن اینگونه منابع در تقویت مخزن دیجیتال موجود اطلاعات مرتبط به بدرفتاری و نقض حقوق بشر مطابق با ماموریت گزارشگر ویژه، ممد واقع خواهد شد. فعالیت های گزارشگر ویژه در جریان سال 2024 به دلیل بحران جاری نقدینگی با مشکل روبرو شده است.

118. قسمی که در فوق تذکر داده شد، فعالیت های گزارشگر ویژه می تواند در تدوین معیارات/شاخص های حقوق بشر ممد واقع شود، که از حضور رسانی دست اندرکاران ذیربط، به شمول جامعه مدنی افغانستان و کارشناسان بین‌المللی، و سایر حاملین دستور طرزالعمل های ویژه ذیربط و نهاد های معاهده بهره مند خواهد شد.

**3. حمایت از هیئت معاونت سازمان ملل متحد برای افغانستان (یوناما)**

119. خدمات حقوق بشر هیئت معاونت سازمان ملل متحد برای افغانستان (یوناما) با همدیگر کار می نمایند تا گزارشات معتبر و دقیق را در مورد وضعیت حقوق بشر در افغانستان جمع آوری نمایند. گزارشگر ویژه، بر نقش ارزشمند هیئت معاونت سازمان ملل متحد برای افغانستان (یوناما)، منجمله دادخواهی در مورد قضایای بدرفتاری گزارش داده شده و ستندرد های حقوق بشر با مقامات بالفعل، تأکید می ورزد و از دولت ها تقاضا به عمل می آورد که به حمایت متناسب با منابع خویش از همچو یک ماموریت نیرومند ادامه دهند.

**E. محافظت و همبستگی**

**1. حمایت از زنان و دختران افغان**

120. از ماه اگست 2021 بدینسو، زنان افغان برای مقابله با بدرفتاری های طالبان و مقاومت در برابر نظام ظالمانه که در حال حاضر با آن دست و گریبان هستند، زندگی خود را به مخاطره انداخته اند. نبود یک میکانیزم پاسخدهی هماهنگ بین‌المللی در برابر اپارتاید جنسیتی نهادینه شده توسط طالبان، خطر حمله آنها را به زنان و دختران افغان تقویت می بخشد.

121. در جریان مشوره ها و در سایر گفتمان های که با گزارشگر ویژه صورت گرفته اند، زنان افغان مقیم داخل و خارج از افغانستان با گذشت هر روز از نادیده گرفتن آنها توسط جامعه جهانی و خیانتی که با آنها صورت گرفته است، یاد آوری نموده اند. زنان افغان عمدتاً از طریق تمویل تلاش های دادخواهی و حقوقی شان و از طریق توجه به زنان و دختران و مسایلی که آنها را در مذاکرات، گفتمان ها و تصمیم‌گیری های مرتبط به افغانستان متاثر می سازند، خواهان حمایت و همبستگی کامل جامعه جهانی در مبارزات شان بوده و سزاوار آن نیز هستند.

122. باید در راستای شناسایی راه های حمایت از استقلالیت زنان و دختران در داخل افغانستان، تلاش های بیشتر صورت گیرد. اینگونه تلاش ها می توانند شامل ارائه حمایت بیشتر در عرصه آموزش، منجمله بهبود دسترسی به انترنت و ارائه کورس های آموزشی متوسطه و عالی آنلاین، ایجاد و تقویت تشبثات زنان، و دادخواهی در راستای گنجانیدن ملاحظات برابری جنسیتی در فعالیت های بین‌المللی بشردوستانه و کمک های انکشافی در افغانستان، و در عین زمان تقویت اقدامات جلوگیری و شناسایی انحرافات در ارائه کمک ها و فساد اداری و افزایش شفافیت و نظارت از گزارشات مالی باشند.

**2. حفظ امنیت درازمدت مدافعان حقوق بشر**

123. برای گسترش اقدامات حمایت از مدافعان حقوق بشر افغانستان، مدافعان برابری جنسیتی و سایر افغان های معروض به خطر، به ویژه زنان و دختران، نیاز فوری وجود دارد. اینگونه اقدامات باید شامل حفظ امنیت درازمدت آنها، منجمله اعطای وضعیت پناهندگی، محافظت شده یا عادی، تسهیل بخشیدن روند اسکان مجدد آنها به صورت مصون و افزایش بورسیه های تحصیلی، باشند.

124. گزارشگر ویژه اکیداً یاد آوری می نماید که امکان دارد تغذیب جنسیتی دوامدار، برای افرادی که به نسبت جنسیت شان مورد هدف قرار می گیرند، به عنوان دلایل معتبر جهت درخواست یا اعطای وضعیت پناهندگی توسط کشور های میزبان در چهارچوب کنوانسیون مرتبط به وضعیت پناهندگی و پروتوکول الحاقیه آن و قوانین مرعی‌الاجرا منطقوی و ملی نیز مدنظر گرفته شود.

**F. پیامد های جهانی**

125. طوری به نظر می رسد که تقویت دوامدار ستم و تسلط جنسیتی طالبان و بی حرمتی به کرامت انسانی زنان و دختران، یک ایدیولوژی خطرناک را در میان نسل های جدید افغان ها، علی‌الخصوص پسران و مردان جوان القا می نماید و احتمال آن می رود که در آینده خطرات امنیتی را به منطقه و فراتر از آن به ارمغان آورد. فرهنگ معافیت از مجازات که در حال حاضر وجود دارد و می تواند به عنوان تحمل تسلط و بدرفتاری با زنان و دختران تلقی شود، نیز خطراتی را که به صورت دقیق قابل شناسایی، درک و رسیدگی نیستند، به بار آورند. گزارشگر ویژه، تاکید شورای امنیت سازمان ملل متحد بر دستیابی به یک افغانستان صلح آمیز را که به حقوق بشر به ویژه حقوق زنان و دختران ارج بگذارد، جهت رسیدن به ثبات در داخل کشور و با همسایگان آن ضروری می داند.

126. وضعیت کنونی افغانستان در یک د ورۀ کوتاهی مکرر جامعه جهانی در امر به رسمیت شناختن و حمایت از حقوق و آزادی ‌های زنان و دختران رقم می خورد. استبداد جنسیتی طالبان باید احساس فوریت بیشتر را در امر رسیدگی به نابرابری‌ های ساختاری و تعصباتی که به خشونت و تبعیض روزمره علیه زنان، دختران و سایر جوامع به حاشیه رانده شده در سراسر جهان دامن می ‌زند و ناقض کنوانسیون منع تمام انواع تبعیض علیه زنان و سایر اسناد حقوق بشر، می باشد، برانگیزد. گزارشگر ویژه، خواستار ارزیابی پیامد های جهانی ناشی از تحمل نظام های حکومتداری که در تسلط جنسیتی ریشه دارد، می باشد.

**V**. نتیجه گیری و پیشنهادات

**127. نظام نهادینه شده تبعیض، جداسازی، بی حرمتی به کرامت انسانی و حذف زنان و دختران و آسیب های مرتبط به آن، باید وجدان بشریت را تکان دهد. تمرکز بالای ایدیولوژی اپارتاید جنسیتی در قوانین و حکومتداری افغانستان، هرگونه استقلالیت و نمایندگی زنان و دختران را که احتمالاً در اداره ناقص پیشین به چشم می خورد، برهم زده است. این امر، آنان را از حقوق بشری شان محروم ساخته و باعث آسیب های عمیق و دراز‌مدت شده است. بدون روی‌دست گرفتن اقدامات منسجم و هماهنگ، دیری نخواهد گذشت که همچو آسیب ها دامنگیر نسل های دیگر افغانستان و احتمالاً جهان شود.**

**128. مقابله با ساختار ظالمانه نهفته در رویکرد حکومتداری طالبان، مستلزم تعهد کامل جامعه بین‌المللی و نهاد های ذیربط آن می باشد. و این تعهد به نوبه خود به این نیاز دارد که همچو عملکرد های رژیم حاکم به عنوان جرایم بین‌المللی، منجمله جرایم تغذیب جنسیتی علیه بشریت، شناخته شوند.**

**129. هرچند اپارتاید جنسیتی هنوز به عنوان جرایم علیه بشریت شناخته نشده است، اما به خوبی نشان دهندۀ ستم نهادینه شده می باشد، که از ویژگی های حکومتداری طالبان به شمار می رود. دولت ها ترغیب می شوند تا از تلاش های به رسمیت شناختن اپارتاید جنسیتی به عنوان جنایت علیه بشریت حمایت نمایند. افزون بر آن، این مسئله به یک نیروی بسیج کننده مبدل شده است، خاصتاً برای افغان ها، و دولت ها تشویق می شوند تا با استفاده از ابزار های سیاسی، دیپلوماتیک و قانونی خویش از تلاش های دادخواهی آنان حمایت همه جانبه نمایند. اینگونه حمایت سبب خواهد شد تا نگرانی های شماری زیادی از افغان های که گزارشگر ویژه با آنها مشوره نموده است، به خصوص زنان و دخترانی را که شاهد سکوت رقت ‌بار جامعه بین‌المللی بوده اند و به آنها این حس را داده است که به فراموشی سپرده شده اند و همراه شان خیانت صورت گرفته است، به گونه قابل ملاحظه کاهش یابد.**

**130. همدلی و همبستگی با زنان و دختران افغانستان باید جنبه عملی داشته باشد. جامعه بین‌المللی باید در راستای مقابله و مبارزه با استبداد جنسیتی نهادینه شدۀ که طالبان آن را به ارمغان آورده اند و خواهان ادامه و ابقای آن اند، اقدامات لازم را روی‌دست گیرد.**

**131. توصیه های آتی بر مبنای توصیه های گزارشگر ویژه در گزارشات قبلی و گزارش مشترک وی با گروه کاری رسیدگی به تبعیض علیه زنان و دختران استوار می باشند.**

132. گزارشگر ویژه توصیه می نماید که مقامات بالفعل اقدامات ذیل را روی‌دست گیرند:

1. مکلفیت های خود را در قبال معاهدات بین‌المللی حقوق بشر، که افغانستان آن را به تصویب رسانیده است، منجمله از طریق ملغا نمودن پالیسی ها و اقدامات نقض کنندۀ این تعهدات بین‌المللی، انجام دهید.
2. به منظور پایان دادن به نظام نهادینه شده استبداد جنسیتی، اقدامات لازم را روی‌دست گیرید، و بلافاصله پالیسی ‌ها و دستورالعمل‌ های تبعیض‌آمیز و محدود کنندۀ حقوق و آزادی ‌های اساسی زنان و دختران را از طرق ذیل ملغا نمایید:
3. بلافاصله و بدون هرگونه قید و شرط در راستای رهایی زنان و دخترانی که به صورت خودسرانه بازداشت شده اند، به شمول زنان مدافع حقوق بشر، معترضان و افرادی که به دلیل عدم رعایت مقررات حجاب و محرم بازداشت شده اند، و سایر افراد به شمول مردان و پسرانی که به دلیل دفاع از حقوق زنان، منجمله دسترسی آنها به آموزش بازداشت شده اند، اقدام نمایید.
4. از دسترسی مجدد فراگیر و برابر زنان و دختران در تمام سطوح و تمام ابعاد به خدمات آموزشی باکیفیت و جامع، اطمینان حاصل نمایید.
5. از برنامه های آموزشی حرفوی محلی و مبتنی بر تقاضا حمایت نمایید، تا ظرفیت های تشبث، مهارت ها و فرصت های اقتصادی زنان ارتقا یابند.
6. محدودیت ‌های اعمال شده در برابر آزادی گشت و گذار زنان و دختران، خاصتاً معیار داشتن محرم، را از میان بردارید.
7. از دسترسی زنان و دختران به خدمات صحی باکیفیت، به شمول خدمات صحت جسمی، روانی – اجتماعی و صحت باروری اطمینان حاصل نمایید.
8. بلافاصله حق کار کردن زنان در تمام سکتور ها، منجمله نهاد های ذیربط سازمان ملل متحد و نهاد های بشردوستانه را اعاده نمایید.
9. سیستم های اداری را عاده نمایید، تا از زنان و دختران در برابر خشونت محافظت کنند و از دسترسی آنان به عدالت، جبران خساره و سایر خدمات اساسی اطمینان حاصل شود.
10. عاملان جنایات و نقض حقوق بشر علیه زنان و دختران را مطابق معیارات بین‌المللی مورد پیگرد عدلی و قضایی قرار دهید.
11. اقدامات لازم را در راستای محافظت از تمام اطفال در برابر عملکرد های مضر، به شمول تخلف شدید استخدام اطفال در درگیری های مسلحانه، خشونت و بهره برداری جنسی، ازدواج اجباری، بردگی، قاچاق و بردگی در ازای بدهی، روی‌دست گیرید.
12. اقدامات موثر را در راستای ریشه‌کن ساختن تبعیض و خشونت در برابر افراد بر مبنای گرایش جنسی یا هویت جنسیتی، روی‌دست گیرید و از بررسی همه جانبه بدرفتاری و تخلفات و پیگرد عدلی و قضایی عاملان آن اطمینان حاصل نمایید.
13. از تخصیص شفاف بودجه های دولتی اطمینان حاصل نموده و مصرف هزینه ها را با در نظر داشت بهبود بخشیدن زندگی مردم افغانستان، خاصتاً زنان و دختران، منجمله روند ارائه خدمات اساسی، اولویت بندی نمایید.
14. بودجه مورد نظر را به منظور بهبود وضعیت مالی و معیشتی اشخاص دارای معلولیت، زنان بیوه و زنانیکه سرپرستی خانواده های خود را بر عهده دارند، تخصیص دهید.
15. اصل فراگیر بودن را تقویت بخشید، از تبعیض اجتناب ورزید و امنیت جوامع و افراد متعلق به اقلیت ها را، با در نظر داشت دلایل مرتبط جنسیتی، قومی و مذهبی، تامین نمایید و عاملان حملات و خشونت ها در برابر جوامع متذکره را مطابق معیارات بین‌المللی مورد پیگرد قانونی قرار داده و آنها را به پای میز عدالت بکشانید.
16. مشارکت سازنده داشته باشید و بازدید های گزارشگر ویژه و سایر میکانیزم های حقوق بشر سازمان ملل متحد را به کشور تسهیل بخشید.

133. گزارشگر ویژه توصیه می نماید که کشور ها و جامعه بین‌المللی اقدامات ذیل را روی‌دست گیرند:

1. تا زمانیکه در معیارات/شاخص های حقوق بشر، علی‌الخصوص حقوق زنان و دختران، بهبود ملموس، قابل اندازه گیری و مستقل تایید شده رونما نگردیده باشد، از عادی سازی یا مشروعیت بخشیدن به مقامات بالفعل، جداً خودداری نمایید.
2. یک جلسۀ موسوم به (**Arria-formula**) اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد را به عنوان یک فرصت مناسب برگزار نمایید، تا در مورد این گزارشی که توسط گزارشگر ویژه ارائه گردیده است، به گونه صریح و خصوصی تبادل نظر صورت گیرد.
3. اقدامات عملی را روی‌دست گیرید، تا اطمینان شود که ستم نهادینه شده علیه زنان و دختران در اولویت گفتمان ها و اقدامات ملی، چندجانبه و منطقوی قرار دارد.
4. خاصتاً کشور های که اکثریت جمعیت آن ها را مسلمانان تشکیل می دهند و سازمان همکاری اسلامی، باید به گونه جدی تلاش ورزند تا طالبان را متقاعد سازند که پالیسی ها و عملکرد های را که با اصول اساسی اسلام مغایرت دارند، منجمله دسترسی برابر همه به آموزش، را بازنگری و تعدیل نمایند.
5. از تلاش های در راستای کشانیدن قضایای افغانستان به محکمه بین‌المللی عدالت، به دلیل نقض معاهدات بین‌المللی حقوق بشر، که این کشور آن را به تصویب رسانیده است، حمایت همه جانبه نمایید.
6. اطمینان حاصل نمایید که محکمه جزای بین‌المللی و سایر محاکم، به شمول محاکم ملی، جهت پیگرد عدلی و قضایی عاملان جرایم بین‌المللی، منجمله تعذیب جنسیتی، از منابع و همکاری لازم برخوردار اند.
7. از روند به رسمیت شناختن اپارتاید جنسیتی و تسجیل قانونی آن به عنوان جرم علیه بشریت، حمایت همه جانبه نمایید.
8. از افغان های که روی مسئله اپارتاید جنسیتی بسیج می شوند، حمایت سیاسی نمایید.
9. حقوق بشر را به عنوان محور در تمام پروسه های سیاسی مدنظر داشته باشید و بالای تعهدات افغانستان در برابر معاهدات بین‌المللی حقوق بشر، تمرکز ویژه نمایید.
10. از سکو های بین المللی و فعالیت های جاری زنان افغان، طوری که آنها با همدیگر متحد و بسیج می ‌شوند، برای مشارکت کامل در گفتمان های مرتبط به آینده افغانستان حق خود را مطالبه می کنند و در راستای اعمال فشار بالای طالبان تلاش به خرچ می دهند، از لحاظ مالی و سیاسی حمایت نمایید.
11. از تمویل کامل فعالیت های گزارشگر ویژه، به شمول تخصیص منابع کافی برای مستند سازی و تحلیل قضایای نقض حقوق بشر، اطمینان حاصل نمایید.
12. از مدافعان حقوق بشر زنان افغانستان و سایر افغان های معروض به خطر، به شمول تامین امنیت درازمدت آنها، از طریق اعطای وضعیت پناهندگی، وضعیت محافظت شده و یا عادی، تسهیل بخشیدن روند اسکان مجدد مصون آنها و گسترش بورسیه های تحصیلی، حمایت همه جانبه نمایید.
13. از ابتکاراتی که به رهبری جامعه در راستای تقویت برابری جنسیتی و حقوق زنان در سطح محلی انجام می یابند، منجمله از طریق تمویل و فراهم ساختن کمک های تخنیکی در عرصه صحت باروری، مراقبت مادر، آموزش دختران، جلوگیری از خشونت مبتنی بر جنسیت، انکشاف اقتصادی و حصول اطمینان از رویکرد های فرهنگی و مبتنی بر جنسیت، حمایت گسترده نمایید.
14. با توجه به برابری جنسیتی در سطح جهان، پیامد های پاسخدهی بین‌المللی ناکافی در برابر نظام نهادینه شدۀ استبداد جنسیتی توسط طالبان را بررسی و ارزیابی نموده و با در نظر داشت آن روند پاسخدهی بین‌المللی را تقویت بخشید.
1. [A/HRC/53/21](http://undocs.org/en/A/HRC/53/21). [↑](#footnote-ref-2)
2. لطفاً به اسناد ([A/78/338](http://undocs.org/en/A/78/338))، ([A/78/338/Corr.1](http://undocs.org/en/A/78/338/Corr.1)) و ([A/HRC/55/80](http://undocs.org/en/A/HRC/55/80)) مراجعه نمایید. [↑](#footnote-ref-3)
3. لطفاً به اسناد ([A/HRC/55/80](http://undocs.org/en/A/HRC/55/80)) و ([A/HRC/53/21](http://undocs.org/en/A/HRC/53/21)) مراجعه نمایید. [↑](#footnote-ref-4)
4. مصوبه شماره (48/104) مجمع عمومی سازمان ملل متحد. [↑](#footnote-ref-5)
5. سند ([A/HRC/53/21](http://undocs.org/en/A/HRC/53/21))، پاراگراف های 63 و 64. [↑](#footnote-ref-6)
6. لطفاً به لینک (<https://www.alemarahenglish.af/special-decree-issued-by-amir-ul-momenin-on-womens-rights/>) مراجعه نمایید. [↑](#footnote-ref-7)
7. دفتر کمیشنری عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، "کارشناسان سازمان ملل متحد: کارکنان حقوقی در افغانستان با خطرات جدی روبرو اند و نیازمند حمایت فوری بین‌المللی اند"، مؤرخ 20 جنوری 2023. [↑](#footnote-ref-8)
8. به شمول کنوانسیون منع تمام انواع تبعیض علیه زنان، کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتار ها، مجازات ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز، کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون حقوق کودک و کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت. با توجه به تعهدات حقوق بین‌المللی بشردوستانه، افغانستان نیز در چهار کنوانسیون ژنیوا که به تاریخ 12 اگست 1949 به تصویب رسیده اند و دو پروتوکول نخست الحاقیه آن، عضویت دارد. [↑](#footnote-ref-9)
9. سند ([A/HRC/54/21](http://undocs.org/en/A/HRC/54/21))، پاراگراف 5. [↑](#footnote-ref-10)
10. بر مبنای معلومات ارائه شده توسط کمیته منع تبعیض علیه زنان، در توصیه عمومی شماره 35 (سال 2017)، تجدید توصیه عمومی شماره 19 (سال 1992)، پراگراف 21: "خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان به منزله تبعیض علیه زنان، که در ماده اول توصیف شده است، پنداشته می شود و در نتیجه تمام تعهدات مندرج در کنوانسیون را تحت پوشش قرار می دهد". [↑](#footnote-ref-11)
11. کنوانسیون منع تمام انواع تبعیض علیه زنان، ماده های 7، 8، 10 و 11. [↑](#footnote-ref-12)
12. بند (2) ماده هفتم اساسنامه روم. [↑](#footnote-ref-13)
13. محکمه جزای بین‌المللی، عناصر جرایم ( ICC-ASP/1/3 و ICC-ASP/1/3/Corr.1, part II.B) ماده 7، پاراگراف 3. [↑](#footnote-ref-14)
14. اساسنامه روم، بند (2) (i) ماده هفتم. [↑](#footnote-ref-15)
15. سند ([A/HRC/53/21](http://undocs.org/en/A/HRC/53/21))، پاراگراف 95. [↑](#footnote-ref-16)
16. سند ([A/HRC/54/21](http://undocs.org/en/A/HRC/54/21))، پاراگراف 5. [↑](#footnote-ref-17)
17. لطفاً به محکمه جزای بین‌المللی، تطبیق کنوانسیون جلوگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی (جنایات گامبیا علیه میانمار)، ریکارد کلمه به کلمه شماره (2022/1)، مؤرخ 21 فبروری 2022، صفحه 11، مراجعه نمایید. همچنان، به سالنامه کمیسیون قانون بین المللی، سال 2003، جلد دوم (بخش دوم)، پاراگراف 253 نیز مراجعه نمایید. [↑](#footnote-ref-18)
18. لطفاً به سند ([A/HRC/WG.11/40/1](http://undocs.org/en/A/HRC/WG.11/40/1)) مراجعه نمایید. [↑](#footnote-ref-19)
19. سند ([S/2023/856](http://undocs.org/en/S/2023/856))، پاراگراف 18. [↑](#footnote-ref-20)